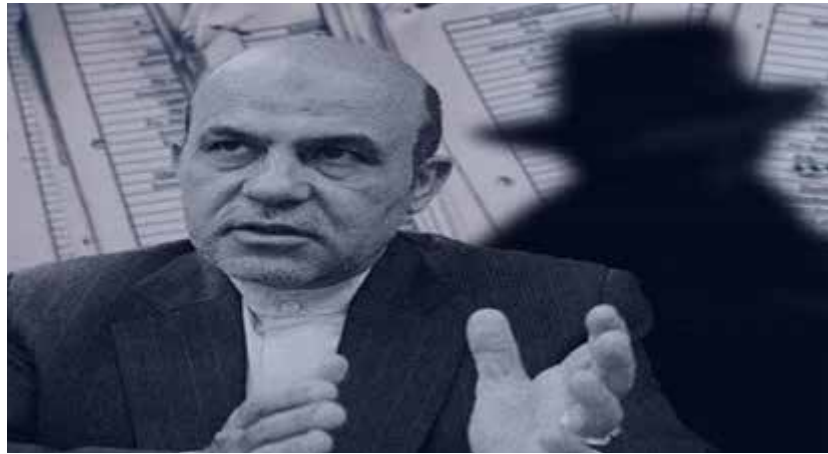




## فهرست مطالب

- ۲ ..... سخنی پیرامون اعدام یک جاسوس بلند پایه
- ۳ ..... «تروستی» خواندن «سپاه پاسداران» توسط پارلمان اروپا اعلان جنگ علنی به ایران است
- ۵ ..... زنده باد نبرد قهرمانانه خلق فلسطین علیه متجاوزین صهیونیست
- ۶ ..... گشت ارشاد اسلامی مُرد
- ۶ ..... زنده باد گشت ارشاد «انقلابی» مخالفان
- ۸ ..... کمدی "من وکالت می‌دهم" پیش از تولدش به پایان رسید
- ۹ ..... اعتصاب یا تجمع؟
- ۱۱ ..... در جبهه نبرد طبقاتی
- ۱۶ ..... نکاتی پیرامون بیانیه شش نفر از "پوزسیون" پروامپریالیستی به مناسبت سال نو مسیحی
- ۱۷ ..... احکام اعدام محمد مهدی کرمی، و سید محمد حسینی برای ارباب به اجرا در آمد
- ۱۸ ..... مجله فکاهی «شارلی ابدو» ابزار دست امپریالیسم غرب و مبلغ اسلام هراسی است
- ۱۹ ..... برگی از تاریخ
- ۲۰ ..... سخنی کوتاه در مورد استعمار انگلیس و عمال آن در ایران
- ۲۲ ..... اسنادی در افشای منابع مالی خاندان دزد پهلوی
- ۲۲ ..... گزارش تکان دهنده سازمان "آکسفام" از افزایش شکاف طبقاتی و نابرابر ثروت در جهان
- ۲۳ ..... اعلام بودجه ۱.۷ تریلیون دلاری آمریکا
- ۲۴ ..... تلاش غرب برای جلوگیری از شکست نهایی در اوکراین در آستانه آغاز دومین سال نبرد
- ۲۵ ..... اوراسیا را بشناسیم
- ۲۶ ..... به مناسبت صد و چهارمین سالگرد قتل روزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنشت
- ۲۷ ..... ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده
- ۲۹ ..... گشت و گذاری در فیسبوک
- ۳۱ ..... پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام



## سخنی پیرامون اعدام یک جاسوس بلند پایه

چرا نفوذ سرویس‌های امنیتی خارجی تا بالاترین رده‌های مشورتی در شورای عالی امنیت کشور؟

در مورد علیرضا اکبری مقام ارشد امنیتی جمهوری اسلامی که اخیراً به جرم جاسوسی برای دستگاه امنیتی انگلیس اعدام شد روایت‌های گوناگونی درجراید و رسانه‌های دیداری و شنیداری داخل و خارج ایران منتشر گردیده است. روایت‌هایی که فارغ از اغراض راویان آنها در بسیاری موارد حاوی حقایقی است که انکار آنها خارج از انصاف است. به طور مثال بیان این مطلب که نفوذ سرویس‌های امنیتی خارجی تا بالاترین رده‌های مشورتی در شورای عالی امنیت ملی کشور حاکی از ضعف سیستم ضد جاسوسی و امنیتی ایران است خالی از حقیقت نیست. همان وضعی که در محافظت از دانشمندان هسته‌ای و موشکی نیز عیان بود و به ترور آنها انجامید. یا این استدلال که فردی با داشتن سوابق جبهه و داشتن چهره‌ای متشعر و به اصطلاح ارزشی بر خلاف کلیشه‌های تبلیغی دستگاه‌های تبلیغاتی جمهوری اسلامی نیز پتانسیل جاسوسی را دارد، هم گزاره صحیحی است. بگذریم که در این میان تحلیل‌های بی‌اساسی نیز مطرح گردید که از جمله می‌توان به ادعای مطرح شده از برخی رسانه‌های وابسته دول خارجی اشاره کرد که اعدام علیرضا اکبری را در جهت تسویه حساب با جناح اصلاح طلب یا شخص علی شمخانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی قلمداد می‌کردند و این عمل رژیم را مقدمه‌ای برای حذف شمخانی از قدرت می‌دانستند. در حالی که از رفتار چند دهه گذشته هسته مرکزی قدرت در ایران نمی‌توان چنین برداشتی داشت. چرا که در برهه‌های مختلف عنداللزوم بارها دیده ایم که اشخاصی نظیر خاتمی، احمدی نژاد، لاریجانی یا هاشمی رفسنجانی بدون توسل به چنین سناریوهایی از چرخه قدرت به بیرون رانده شده

اند و قدرت مسلط در ایران خود را نیازمند پرداخت چنان هزینه‌ای در ابعاد بین‌المللی در شرایط حساس کنونی برای دستیابی به چنین منظوری نمی‌بیند. ولی آنچه در این میان کمتر به آن پرداخته شده نوع و دامنه ارتباط کارگزاران جمهوری اسلامی با دولت‌های غربی در چهار دهه گذشته به رغم تمام ادعاهای غرب ستیزی و استکبار ستیزی حکومت ایران است. ارتباطی که در بسیاری از موارد اگر چه به دستگیری یا اعدام آنها منجر نشده ولی همیشه در مظان اتهام منتقدین قرار گرفته‌اند. نگاهی بیاندازید از نحوه همکاری دیپلمات‌های ایرانی امثال حسین موسویان یا حتا جواد ظریف بعنوان وزیر امور خارجه. ارتباطی از نوع اعتماد بیش از حد یا شیفتگی در برقراری رابطه بدون در نظر گرفتن تمام ابعاد امنیتی و راهبردی دراز مدت کشور. که البته اتخاذ این روش نه به صورت خود سر، بلکه در پیروی از دکترین سران اصلی نظام صورت گرفته است. دکترینی که به رغم تمام شعارهای ضد استکباری راه نجات کشور را ادغام در هاضمه سیستم سرمایه داری جهانی به خصوص غرب و آمریکا می‌داند. رویکردی که امروزه از جانب بسیاری در بدنه حاکمیت در هر دو جناح اصلی شاهد ابراز آن هستیم. البته که احتمالاً اعدام علیرضا اکبری ناشی از اطلاع جمهوری اسلامی از درز عامدانه اطلاعات سری کشور از سوی او بوده ولی با کمی نگاه به عقب و سوابق وی و یا حتا بازداشت او در دهه هشتاد شمسی به اتهام جاسوسی می‌توان چنین استنباط کرد که تصمیم نظام به نوعی مدارا و یا حتا استفاده از علیرضا اکبری برای بهبود روابط در راستای نتیجه بخشیدن به مذاکرات بوده است. مذاکراتی که موفقیت در آن چیزی بیشتر از حفظ منافع ملی کشور قلمداد می‌شده و نائل شدن به نتیجه هر گونه اغمازی را توجیه ساخته است. طبیعی است پس از نا آرامی‌های اخیر و هویدا شدن هر چه بیشتر نیات طرف‌های اروپایی به خصوص انگلیس در عدم معامله با جمهوری اسلامی بسیاری از چشم پوشی‌ها کنار گذاشته شده و دستگاه قضایی با اعدام علیرضا اکبری سیگنال روشنی را به کشورهای غربی ارسال کرده است. سیگنالی که در اولین واکنش‌ها موضع‌گیری‌های سختی را از سوی مقامات و رسانه‌های غربی به همراه داشته است.

البته که راه برطرف ساختن بسیاری از آسیب‌پذیری‌ها از جمله باگ‌های امنیتی از این دست تغییر ساختاری در نگاه حکمرانی است. نگاهی که مولفه‌های اقتدار را در تقویت وحدت ملی، بنیه اقتصادی افراد اجتماع، رفع فاصله طبقاتی و رشد روحیه تعلق اجتماعی و فداکاری جمعی جستجو کند. رویکردی که همه جنبه‌های لازم برای جامعه‌ای پویا را در ارکان و بنیان‌های مادی کارگران و زحمتکشان این مولدان اصلی همه مواهب زندگی بیابد. چنین نگاهی است که متضمن امنیت در تمام ابعاد اجتماعی و ملی است. جهان بینی که درک آن از قوه ادراک حکومت قشری و طبقاتی جمهوری سرمایه داری اسلامی خارج است.\*



## «تروریستی» خواندن «سپاه پاسداران» توسط پارلمان اروپا اعلان جنگ علنی به ایران است

این سیاست تشنج آفرین و جنگ طلبانه را محکوم می‌کنیم

خواسته‌های اعضای پارلمان اروپا، بلکه بر اساس سیاست خارجی کشورهای عضو و منافع ملی مورد نظرشان گرفته می‌شوند.

دراثر همین تناقضات خبرگزاری آلمان روز پنجشنبه ۱۹ ژانویه (۲۹ دی) به نقل از یک سخنگوی سیاست خارجی اتحادیه اروپا گزارش داد که قطعنامه پیشنهادی پارلمان اروپا برای قرار گرفتن نام سپاه در فهرست تروریسم به سادگی قابل اجرا نیست. او گفت برای گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی اتحادیه اروپا به عنوان مثال «حکم قضایی دادگاه ملی (یکی از کشورهای عضو)» یا «حکم ممنوعیت صادر شده از سوی یک نهاد اداری» لازم است. این بدان معناست که در سطح اتحادیه اروپا بدون این تصمیم‌گیری‌ها سپاه پاسداران را نمی‌توان وارد لیست تروریستی کرد.

به گفته سخنگوی سیاست خارجی اتحادیه اروپا داوری و یا تصمیم‌گیری‌های نهادهای ملی که ناظر بر ممنوعیت سپاه یا تروریستی خواندن آن باشد نیز باید با پرنسپ‌ها و معیارهای اتحادیه اروپا در ارتباط با قوانین مربوط به «اقدامات تروریستی» منطبق باشد. در مورد تصمیم پارلمان اروپا و احتمالاً تصویب آن در شورای اتحادیه اروپا و تروریستی خواندن سپاه پاسداران به چند نکته مهم اشاره می‌کنیم:

**یکم:** قطعنامه پیشنهادی پارلمان اتحادیه اروپا به شورای تصمیم‌گیری این اتحادیه اگر هم در مرحله نهایی آن به تصویب برسد با بند ۳۹ منشور سازمان ملل متحد مغایرت دارد و نقض صریح این منشور تلقی می‌شود و به ایران نیز اجازه می‌دهد نظامیان کشورهای عضو اتحادیه اروپا را گروه تروریستی دانسته و به عنوان تروریست با آنها برخورد کند. در ماده ۳۹ منشور ملل متحد تصریح دارد که تعیین موارد تهدید علیه صلح، نقض صلح، اختلال در امنیت بین‌المللی و تجاوز بر عهده شورای امنیت سازمان ملل است و اقدامات تروریستی ذیل همین ماده تعریف می‌شود. نهادها و مراکزی که در قانون اساسی یک کشور به عنوان یک نهاد رسمی و بخشی از

پارلمان اروپا روز پنج‌شنبه با تصویب یک قطعنامه، مجموعه‌ای از خواسته‌ها را به عنوان «واکنش اتحادیه اروپا به اعتراض‌ها و اعدام‌ها در ایران» مطرح کرد؛ درخواست‌هایی که طیف گسترده‌ای از مسایل، از افزایش تحریم و حمایت از معترضان تا تروریستی خواندن سپاه پاسداران را در بر می‌گرفت.

نهاد قانون‌گذاری اتحادیه اروپا، یک روز پیش‌تر نیز با تصویب تغییری کوچک، درخواست تروریستی خوانده شدن سپاه پاسداران را به یکی از گزارش‌های سالانه‌اش اضافه کرده بود. این در حالی است که پارلمان اروپا، به رغم داشتن اختیاراتی در برخی مسایل مانند تصویب بودجه اتحادیه اروپا یا قراردادهای بازرگانی و تجارت بین‌المللی، در موضوعات مرتبط با سیاست خارجی و امنیت ملی کشورهای عضو از حداقل قدرت و اختیار برخوردار است و نهادهای اجرایی اتحادیه اروپا ملزم نیستند که به مصوبات این پارلمان در چنین مسایلی توجه کنند. به همین دلیل چه قطعنامه‌ای که روز پنج‌شنبه تصویب شد و چه چند جمله‌ای که به گزارش سالانه شکل اجرای پیمان سیاست خارجی مشترک اتحادیه اروپا در روز چهارشنبه اضافه شد، ضمانت اجرایی ندارند و فقط برای هوچی‌بازی تبلیغاتی مفید بوده و صرفاً ابزار فشار روحی و تعلیف اپوزیسیون خودفروخته ایرانی هستند. اصولاً تصمیماتی در این سطح نه با توجه به

اتحادیه اروپا از آن بخش اپوزیسیون ایرانی دفاع می‌کند که با اهداف راهبردی امپریالیستی غرب و در تقابل با چین و روسیه و شکل‌گیری نظم چند قطبی در جهان همراه باشد. بر همین اساس اتحادیه اروپا تلاش می‌کند توسط محافل ارتجاعی و امپریالیستی رژیم ایران را حتی به قیمت فروپاشی ایران و بروز هرج و مرج سرنگون و بدیل امپریالیستی و داعشی خود را بر مسند قدرت بنشانند و یا در حالت دوم با تضعیف ایران در مذاکرات آینده برجام، - اگر مذاکراتی اساساً صورت گیرد - با کسب امتیازات بیش‌تر و عقب‌نشینی ایران به مقاصد خود دست یابد. اپوزیسیون خودفروخته ایران نقش همدست و پادوی این سیاست را بازی می‌کند.

**سوم:** از منظر حزب کار ایران (توفان)، تروریستی خواندن سپاه پاسداران توسط پارلمان اروپا، ادامه همان سیاست سنتی ضد ایرانی امپریالیسم غرب از بدو انقلاب ایران است. این اقدام تأیید ادامه سیاست‌های دادگاه‌های ساختگی ایادی رژیم جمهوری اسلامی در خارج از کشور برای نقض حاکمیت ملی قضائی ایران و ساختن ابزارهای فشار تروریستی به ایران، تحریم‌های ضد بشری، جنایتکارانه و غیرقانونی علیه مردم ایران، تأیید ترور فرمانده رسمی و عالی‌رتبه ایران قاسم سلیمانی در خاک عراق در یک سفر رسمی دیپلماتیک، تأیید ترور دانشمندان هسته‌ای ایران و تأیید تنش و دامن‌زدن به جنگ و خونریزی و تهدید امنیت و صلح جهانی است و چنین سیاستی تروریسم بین‌الملل و نقض آشکار همه حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد است و حزب ما آن را قویاً محکوم می‌کند. این سیاست تحریک‌آمیز و تروریستی که توسط اپوزیسیون سلطنت‌طلب و فرقه داعشی رجوی و تجزیه‌طلبان و چینماهای آشفته‌فکر، درمانده و توأب و امثال آنها ردیف شده است اقدامی ماجراجویانه، خشونت‌آفرین، جنگ‌طلبانه و ضد ایرانی بوده حزب کار ایران (توفان) آن را مانند همیشه قویاً افشاء و محکوم می‌کند.

مخالفت حزب ما با تبهکاری جمهوری سرمایه‌داری اسلامی و محکوم کردن نقض حقوق دموکراتیک مردم و سیاست خانمان‌برانداز اقتصادی و نئولیبرالی، مبارزه علیه فقر، گرانی و دزدی، فساد و هزاران مصیبت دیگر، دشمنی با ایران و حقوق قانونی به رسمیت شناخته شده جهانی این کشور مانند سایر کشورهای جهان نیست. ایران به منزله کشوری مستقل در جهان فارغ از نوع حکومت، ایدئولوژی، سیاست، اقتصاد، رنگ پوست و مذهب دارای حقوقی است که باید بر اساس اصول دموکراتیک به رسمیت شناخته شده جهانی مانند حقوق همه ممالک جهان مورد احترام بوده و از آن بی‌واسطه برخوردار باشد. کسانی که می‌خواهند نوکرفتانه برای ایران به عنوان عضو رسمی و قانونی سازمان ملل متحد البسه استثنائی بدوزند و ایران را با هوچی‌بازی از همه حقوق بین‌الملل محروم کنند نه انقلابی‌اند و نه دموکرات، آنها تنها فاشیست‌هایی هستند که مانند گماشته‌های ارتجاع بر طبل صهیونیسم و امپریالیسم کوبیده

پیکره و ساختار آن کشور شناخته می‌شوند را نمی‌توان بیرون از ساختار قانونی کشور یاد شده تلقی کرده و به عنوان یک گروه تروریستی معرفی نمود. وظایف، مأموریت و جایگاه سپاه به عنوان یک ارگان رسمی نظامی در اصل ۱۵۰ قانون اساسی تعریف شده و بر این اساس هیچ کشوری نمی‌تواند این ارتش را یک گروه تروریستی بداند. چنین اقدامی مغایر منشور سازمان ملل متحد و نقض قوانین بین‌المللی است. فراموش نکنیم که نیمی از جوانان آماده به خدمت ایران دوران سربازی خود را در سپاه پاسداران بر اساس قرعه‌کشی می‌گذرانند که همه آنها با مهر تروریست از همه حقوق قانونی خویش به عنوان یک انسان در جهان با زور و ارباب محروم می‌گردند.

**دوم:** انگیزه پارلمان اروپا و تصویب احتمالی اتحادیه اروپا در تروریستی خواندن سپاه چه می‌باشد و خواسته‌های این اتحادیه از ایران چیست؟

اتحادیه اروپا همانند آمریکا از همان آغاز اعتراضات مردم در شهریورماه با پرچم محکوم کردن درگذشت مهسا امینی، دفاع از «حقوق زنان و حقوق بشر» ... برای رهبری تظاهرات اپوزیسیون به میدان آمد و با سوءاستفاده از فقدان رهبری و چشم‌انداز اعتراضات مردمی با هر آنچه که در توان داشت چه مالی و چه تبلیغاتی و تدارکاتی و... از اپوزیسیون ارتجاعی ایران که سرانجام در **پولن** در اردو کشی ناتو گردآمد حمایت کرد.

بدون شک انگیزه و نیت دول اروپائی دفاع از «حقوق بشر» نیست. منظور این است که چرا ایران با اسرائیل و یا عربستان سعودی و آمریکا همکاری نمی‌کند و به روسیه تسلیحات نظامی ارسال کرده و تروریسم بین‌المللی را که تحت رهبری آمریکاست به رسمیت شناخته و تقویت نمی‌کند. منظور اتحادیه اروپا این است که ایران باید در نزاعی که در عرصه بین‌المللی و نظم جدید جهانی در گرفته است در کنار غرب بایستد، از گرایش به شرق دست بردارد و حق ندارد از جنبش محقانه لبنان؛ فلسطین؛ سوریه؛ یمن، و دولت‌های مستقل کوبا، ونزوئلا، بولیوی نیکاراگوئه و... دفاع کرده و سیاست گرایش به شرق و نزدیکی به چین، روسیه را که در این برهه از زمان به نفع منافع ملی ایران است در پیش گیرد. پیوستن رسمی ایران به پیمان همکاری شانگهای و توافقنامه‌های طولانی مدت با روسیه و چین... انگیز اصلی اتحادیه اروپا از اینهمه هیاهو در مورد نقض «حقوق بشر» در ایران است! تروریسم از منظر اتحادیه اروپا جریانی است که منافع آنها را به خطر می‌اندازد. از این منظر عربستان سعودی، اسرائیل و ترکیه مدافع داعش تروریسم محسوب نمی‌شوند! هاری و افسارگسختگی اتحادیه اروپا و غرب محصول شکستی است که نازی‌ها در اوکراین متحمل شده و تغییر توازن قوایی است که در غرب آسیا با نزدیکی ایران به سمت شرق به وجود آمده است. اپوزیسیون هار ایران با شعارهای مبتذل و ردیالانه خود نیز از این سیاست الهام می‌گیرند.



## زنده باد نبرد قهرمانانه خلق فلسطین علیه

### متجاوزین صهیونیست

خبرگزاری رسمی فلسطین گزارش داد که نیروهای اسرائیلی، صبح پنجشنبه ۶ بهمن به شهر و اردوگاه جنین یورش برده و با حضور بر پشت‌بام منازل به سوی جوانان فلسطینی گلوله و گاز اشک‌آور شلیک کردند. وزارت بهداشت حکومت خودگردان فلسطین اعلام کرد در درگیری شدید میان نیروهای اسرائیلی با فلسطینیان در اردوگاه جنین ۱۰ فلسطینی جانباخته و ده‌ها نفر دیگر مجروح شدند.

مبارزان فلسطینی دیشب جمعه و امروز شنبه ۲ عملیات انتقامی در پاسخ به جنایت صهیونیست‌ها انجام دادند. در عملیات دیشب در قدس اشغالی ۸ مزدور صهیونیست به هلاکت رسیدند و در عملیات امروز شنبه ۲ صهیونیست مجروح شدند. مبارزه نیروهای دمکرات، انقلابی و کمونیست برای نابودی نظام صهیونیستی اسرائیل به معنی نفی رژیم غیرقانونی کشور اسرائیل و پایان دادن به اشغال و سیاست آپارتاید است. این امر مربوط می‌شود به همه نیروهای دمکرات صلح‌دوست و طرفداران عدالت، منجمله یهودیان ضدصهیونیست، که بخاطر حمایت از مبارزه مشروع فلسطینی‌ها تحت تعقیب کشور اسرائیل هستند. سرزمین فلسطین سرزمین مشترک مردم بومی صرف‌نظر از مذهب آنها، از یهودیان، مسیحیان و مسلمانان و سایر ادیان آن منطقه است. امروز صهیونیسم بزرگ‌ترین منبع سازمان‌یافته یهودی‌ستیزی در جهان است و تلاش دارد برای تغییر جهت توجه جهانیان به نسل‌کشی سیستماتیک فلسطینیان، تاریخ را تحریف کرده و آنرا جعل نمایند. این امری کاملاً برسمیت شناخته شده است که تمام اشکال مبارزه از جمله مبارزه مسلحانه برای خلق‌های تحت استعمار مجاز و قانونی است. مبارزه خلق فلسطین برای رهایی سرزمینش مشروع و عادلانه است. زمان نشان داده است که صلح با صهیونیست‌های تجاوزگر از طریق مذاکره توهمی بیش نیست. فقط مردم شجاع فلسطین، نه امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها و رهبران مرتجع اعراب، حق تصمیم‌گیری برای سرنوشت خود را دارند. حزب کارایران (توفان) از پیکار تمام نیروها، که درجبهه‌های مختلف علیه دشمن مشترک و بیرون ریختن متجاوزین صهیونیست می‌رزمند، حمایت می‌کند این حمایت صوری و ظاهری نیست، بلکه تأیید حق مسلم فلسطینیان برای رهایی از سلطه صهیونیسم در منطقه و برسمیت شناختن حق آنها برای رهایی ملی است. یهودیان فلسطین در کنار مسلمانان و عیسویان فلسطین حق دارند که کشور دمکراتیک و سکولار فلسطین را برپا کنند و از آن دفاع نمایند، تا صلح و آسایش در منطقه جاری شود و بتوان به تشنج بیش از هفتاد سال اشغال غیرقانونی و سلطه نکت‌بار و غیراخلاقی اسرائیل در منطقه پایان داد.

**نابود باد رژیم متجاوز صهیونیستی!**

**زنده باد نبرد خلق قهرمان فلسطین برای رهایی ملی!**

و برضد منافع ملی ایران عمل می‌کنند. مردم ایران حساب مزدوران و دست‌نشانده‌گان امپریالیسم را از اپوزیسیون انقلابی که مخالف لشگرکشی‌های اخیر امپریالیسم در خارج از کشور بودند جدا می‌کنند. اتحادیه اروپا با ادامه چنین سیاستی بر طبل جنگ و تنش در منطقه و جهان می‌کوبد و ما آن را قویا محکوم می‌کنیم و شکست این سیاست و فربه کردن اپوزیسیون خودفروخته و فاقد شرافت ملی را از هم اکنون پیشگوئی می‌نمائیم. جمهوری سرمایه‌داری اسلامی. ایران میرنده است ولی ایران با تمام فرهنگ درخشان آن به کوری چشم ایرانیان خودتحقیر و ایران‌ستیز پاینده بوده و باقی می‌ماند.

بزرگترین تروریست تاریخ بشریت ارتش‌های پیمان جنگ افروز و متجاوز ناتو هستند که در پشت خود دریای خون به جا گذاشته و از کشته پشته ساخته‌اند. بزرگترین ارتش ارتجاعی و خون آشام ارتش صهیونیستی اسرائیل است که چند کشور منطقه را تحت اشغال خود دارد و علیرغم قطعنامه‌های سازمان ملل متحد در محکومیتش، بی‌خیال و با فراغ بال به یاری متحدانش همچنان به تجاوزاتش در منطقه و جهان ادامه می‌دهد. و آنوقت اپوزیسیون مزدور ایران از نازی‌های او کرایم دفاع می‌کند و در کنار آنها و صهیونیست‌ها و آمریکائی‌ها و حزب جنگ‌طلب و فمینیست سبزه با پرچم «زن، زندگی، آزادی» به مقابله با منافع ملی ایران می‌رود. حزب ما مانند همیشه تنها از اعتراضاتی دفاع خواهد کرد و آنها را مترقی می‌داند که بر اساس اصول زیرین استوار باشد.

۱- سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی فقط باید به دست مردم ایران صورت گیرد.

۲- ما از تمامیت ارضی ایران دفاع کرده و تجزیه‌طلبان را افشاء می‌کنیم.

۳- ما تحریم‌های ضدبشری امپریالیسم غرب را بر ضد ایران جنایتکارانه، ضدبشری ارزیابی کرده و نه تنها آن را محکوم کرده بلکه خواهان دادن غرامت به ایران هستیم.

۴- ما مسدود کردن اموال ایران را تروریسم اقتصادی در جهان دانسته و مصادره و غارت آن را به بهانه نقض حقوق بشر در ایران توسط مشتی راهزن و دزد عوامفریبی غارتگرانه می‌دانیم.

۵- ما از حق حاکمیت ملی ایران که ربطی به حکومت‌های وقت ندارد دفاع می‌کنیم.

۶- ما سیاست‌های امپریالیسم و صهیونیسم را در منطقه دخالت آشکار کشورهای خارجی در غرب آسیا دانسته که تنها موجب تشنج، تنش و جنگ در منطقه شده و می‌شوند. این قدرت‌های بیگانه هستند که امنیت منطقه و صلح جهان را به خطر انداخته‌اند و باید گورشان را از منطقه گم کنند.

۷- ما از مبارزات مردم ایران به ویژه زحمتکشان، فرودستان برای تحقق حقوق خود در تمام زمینه‌ها با تمام نیرو دفاع کرده و در این برهه از زمان خواهان ایرانی هستیم که در آن جایی برای فساد، دزدی، خویشاوندسالاری، ارتجاع مذهبی، دین‌سالاری، فقدان تساوی اجتماعی حقوق زن و مرد، نقض حقوق کارگران و زحمتکشان، آموزگاران و... نباشد.\*

**حزب کارایران (توفان)**

۳۰ دی ماه ۱۴۰۱

[org.toufan.www](http://org.toufan)

<https://telegram.me/totoufan>

## گشت ارشاد اسلامی مُرد

## زنده باد گشت ارشاد «انقلابی»

## مخالفتان

## اسنادی در افشای گشت های «انقلابی» در عرصه مجازی

زمانی که جمهوری سرمایه‌داری اسلامی در قالب «گشت ارشاد» با داس مرگ، زندگی هموطن ما «مهسا امینی» را درو کرد، با فریاد در سینه خفته‌ی هزاران نفر در سراسر این مرز و بوم روبرو گشت. غریو آزادانه مردم ایران به دادخواهی از «مهسا امینی» و دفاع از کرامت انسانی زنان و لغو حجاب اجباری، چنان پرتوان بود که کلیت نظام جمهوری سرمایه‌داری اسلامی را به لرزه درآورد. رژیم هراسان از رشد و نضج جنبش مردم، گشت ارشاد را عملاً منحل نمود. مسئول قضائی از خود سلب مسئولیت کرد و بیان داشت آنها که آن را به وجود آوردند حالا جمعش کردند.

## تراکتی شرم‌آور از شعبان بیمخ‌های سلطنت طلب علیه نیروهای مخالف

سال ۲۰۲۳، سال سرنگونی رژیم جنایتکار پچه‌کش اسلامی

سال سرنگونی ضحاک زمانه‌ی جنایتکار کثیف

سال به‌توان رساندن تمامی مزدوران تازی پرست

سال پاکسازی ایرانمان از آخوند، بیگانه‌پرست، وابسته، جیره

خوار، چپی، توده‌امی، تجزیه طلب، مجاهد خان و تمامی استیزان

و سال بازگشت شامشاه رضا پهلوی به ایران بر تمامی

دلیران، هم‌زمان، ایران پرستان مبارک باد

شوربختی اما که شورش خودجوش مردم ایران بدون رهبری، بدون چشم‌انداز روشن، زیر بختک «همه با هم» و «مهم نیست که بعدش چه

می‌شود» خوراک دسیسه‌های امپریالیستی شد. علم کردن چهره‌های منفوری از میان دشمنان مردم به عنوان رهبر و ناجی از طریق رسانه‌های وابسته مجازی و ندانم‌کاری و کوته‌فکری عده‌ای اسیر احساسات با طرح شعارهای انحرافی، زودرس و بعضاً چاله‌میدانی و شرم‌آور به مبارزه مردم آسیب رسانید و این اعتراض نتوانست تعمیق یابد، نضج بگیرد و لذا قبل از توده‌ای شدن در اثر این ضعف‌ها و آسیب‌پذیری‌ها و عقب‌نشینی مردم، توسط دشمنان مصادره گردید. این عوامل و سرکوب گسترده جمهوری آزادی‌کش، مردم را از کف خیابان به سوی خانه‌هایشان سوق داد. مسیبن این امر حالا به مردمی که با وجود نفرت از جمهوری سرمایه‌داری اسلامی حاضر نیستند ملعبه و سیاهی‌لشگر عده‌ای شوند که یا امتحان تاریخی خود را پس داده‌اند و یا فاقد رهبری منسجمی با ترسیم آینده‌ای روشن می‌باشند، تهمت زده و زبان تهدید گشوده‌اند که یا از دستورات ما تبعیت می‌کنید و یا شما را به سزای اعمال خود می‌رسانیم. این روش مافیائی باج‌گیری، ضرب و شتم مخالفان، حجاب‌زدائی اجباری، در درجه اول محصول سیاست نفاق‌افکنانه، ایران‌ستیزانه فرقه رجوی است که نوزادی به نام داعش را برای نابودی ایران در رحم دارد و «گشت ارشاد انقلابی» برای جلوگیری از «انفعال» مردم، تنش‌زدائی و بازگشت به آرامش در داخل و خارج کشور را برای ایجاد آشوب راه انداخته است. در داخل ایران با آتش کشیدن مغازه‌هایی که در «اعتصاب سراسری» شرکت نکردند و انتشار اعلامیه‌های مصوری مانند: «امروز پادش رفت تعطیل کند، کمکش کردیم دیگه فردا تعطیل باشه، ۱۴ آذر» و توزیع شعارهای توهین‌آمیز از قبیل «بی‌طرف بی‌شرف» این گشت «انقلابی» ارشاد به مصاف مخالفین می‌رود. در خارج از کشور چماق‌داران «گشت ارشاد انقلابی» با اعمال زور و توهین مانع از برگزاری به طور مثال کنسرت‌های موسیقی و جشن‌ها و مراجعه به سفارت‌خانه‌های ایران می‌شوند. حتی زنان مومن و معتقد محجبه از ضرب و شتم محجبه‌های فرقه رجوی و این گشت تهوع‌آور «انقلابی» در امان نیستند. به طور نمونه خواننده را به کنسرت آقای همایون شجریان در استرالیا که با وجود صحنه مزین به عکس خانم «مهسا امینی» توسط عوامل «گشت ارشاد انقلابی» تخریب گردید ارجاع می‌دهیم.

در ۲۵ دسامبر «شرکت شیک‌پوشان» که سالیان سال است در شهرهای مختلف آلمان دیسکوهای ایرانی برگزار می‌کند شبی برای شادمانی در شهر فرانکفورت آلمان تدارک دیده بود، برگزارکنندگان علیرغم تهدید «انقلابی» از طرف «گشت ارشاد انقلابی» برنامه خود را ملغی نکرده و شب جشن با نیروی بسیج شده «گشت ارشاد انقلابی» روبرو گشتند که با توهین به برگزارکنندگان با زور بازو و با شعارهای «مردم شهید داده‌اند، شما جشن می‌گذارید» سعی به برهم‌زدن برنامه نمودند. چند روز قبل از برگزاری این جشن ناگهان پوستری در صفحات مجازی به نام «پلیس جنایی آلمان» انتشار یافت که از برگزارکنندگان این جشن به عنوان تروریست نام برده شده بود و به زبان فارسی آنها را متهم به جاسوسی، تهمت و افترا، کلاهبرداری، تجاوز به نوامیس و غیره نموده و جالب آن که این پوستر جعلی را به نام «بوندس ک‌ریمینال‌آمت» - اداره جنائی فدرال آلمان - (Bundeskriminalamt) منتشر کرده بودند (تمام اسناد در دفتر توفان موجود است). به گفته پلیس آلمان این پوستر جعلی است! حتما نباید اهل فن بود تا بتوان حدس زد که این دروغ‌پردازی‌ها به چه مناسبت و به دست چه عواملی صورت

furt am Dienstag (27. Dezember) mitteilte. Demnach hatten am späten Sonntagabend Dutzende Menschen vor einem Tanzlokal gegen eine dortige Veranstaltung protestiert.

Die Teilnehmer der Kundgebung bezeichneten sich laut Polizei als Gegner des derzeitigen iranischen Herrschaftssystems. Die Beamten hätten Demonstranten und Partygäste immer wieder trennen müssen.

Später habe eine etwa 50-köpfige Gruppe auf dem Gelände einer nahen Tankstelle versucht, das Auto eines Veranstaltungsgastes mit Steinen zu beschädigen. Die Polizei griff unter anderem mit Schlagstöcken ein und nahm zwei Männer fest. Ein Richter ordnete Untersuchungshaft gegen einen 30-Jährigen an, der andere Festgenommene kam später wieder frei. Ein verletzter Beamter konnte seinen Dienst nicht fortsetzen.

فرانکفورت/ماین - پلیس فرانکفورت اعلام کرد که از درگیری بین دو گروه ایرانی جلوگیری کرده است. همانطور که ستاد پلیس فرانکفورت روز سه شنبه (۲۷ دسامبر) اعلام کرد، دو مرد دستگیر و سه افسر پلیس مجروح شدند. بر این اساس، ده‌ها نفر در اواخر عصر یکشنبه در مقابل یک سالن رقص اعتراض کردند. به گفته پلیس، شرکت کنندگان در این تجمع خود را مخالف نظام کنونی ایران معرفی کردند. مقامات مجبور بودند بارها و بارها تظاهر کنندگان و مهمانان پارتی را از هم جدا کنند. بعداً، یک گروه حدود ۵۰ نفری سعی کردند با سنگ به خودروی یکی از مدعوین پارتی در محوطه یک پمپ بنزین مجاور آسیب بزنند. پلیس از جمله با باتوم وارد عمل شد و دو مرد را دستگیر کرد. قاضی برای یک جوان ۳۰ ساله قرار بازداشت موقت صادر کرد و دیگر دستگیر شده بعداً آزاد شد. یک افسر مجروح نتوانست به وظیفه خود ادامه دهد.

### تراکتی تهدید آمیز، ارباب و توهین علیه بازاریانی که به اعتصاب فرمایشی نپیوستند

#### بازاریان پقیوز تهران!

##### وقت آن رسیده که بازار را تعطیل کنید

این آخرین اخطار به شماست! از اسمم مرا میشناسید. من پسر همان پدرم که چلوی شما ایستادم و هزاران نفر بر سرم ریختند و الله و اکبر گویند مرا به کمیته بازار بردند بابتان هست؟ پسرانم هم پسران این پدرند پس ما را باکی نیست و میدانید حتی بندی در کار نیست!

مانند آن زمان که الله و اکبر گویند بازار را تعطیل میکردید و بدنبال آن خمینی دجال میدویدید که ایران را ویران کند! این اخطار جدی تر از هر اخطاری است. شما همان کسانی هستید که ناموس مردم را دست مالتی میکردید و حال جای محرم بر پیشانی کوبیده اید! میدانید بازار چلدین بار سوخته و ویران شده! از بازار چراغ تا سرای ارامته تا تیمچه و غیره. این را به خاطر بسپارید!

#### از تقستان به شما نزدیکتریم

با بازار را بندید و به بازی جوانان و ملت بختابید!  
با شب ها در مغاز هایتان بخوابید!  
با بزودی کاسه گدایی در دست گرفته و بدنبال یک لقمه نان باشید!

تمام فساد از شما تازی پرستان پقیوز می آید!  
تا جایی که میتوانید انتشار دهید

می‌پذیرند. قمه‌کشان داعش که می‌خواهند آدمکشی، سرکوب، تهدید، خفقان، عملیات انتحاری، تروریسم داعشی، نکاح اسلامی و... را در جامعه ایران عادی کنند، سایه شوم خود را در فضای مجازی با تهدید به مرگ مخالفان و این که همه آنها را به سزای اعمال خود - نرسیده به قدرت - خواهند رسانند، گسترده‌اند. روش ارباب و نوع ادبیتاتی که به کار می‌برند از تیرانا منشاء می‌گیرد و محکوم به شکست است.

در روزنامه آلمانی «فرانکفورته نویه پرسه» (Frankfurte Neue Presse) به تاریخ ۲۷ دسامبر در این مورد چنین گزارش می‌دهد: «پلیس از دعوی بین دو گروه ایرانی جلوگیری نمود، در این میان دو نفر دستگیر و سه پلیس زخمی شدند. به گفته پلیس در یکشنبه شب (۲۵ دسامبر) عده‌ای در جلوی یک کلوب رقص بر علیه برنامه‌ای که در آن اجرا می‌شد اعتراض کردند. به گفته تظاهر کنندگان، آنها مخالفین نظام حکومتی کنونی در ایران می‌باشند. پلیس مرتب تلاش می‌نمود شرکت کنندگان در جشن و تظاهر کنندگان را از هم جدا نماید. بعداً، یک گروه حدود ۵۰ نفری سعی کردند با سنگ به خودروی یکی از مدعوین پارتی در محوطه یک پمپ بنزین مجاور آسیب برسانند. پلیس از جمله با باتوم وارد عمل شد و دو مرد را دستگیر کرد. قاضی برای یک جوان ۳۰ ساله قرار بازداشت موقت صادر کرد و دستگیر شده دیگر بعداً آزاد شد. یک افسر مجروح پلیس نتوانست به وظیفه خود ادامه دهد».

گروه دیگری با انتشار سند زیر:

«تو مگه ایرانی نیستی؟»

برای بعضی‌ها مهم نیست که بچه‌های جوانمون تو ایران دارن پرپر میشن و دسته دسته گل میرن زیرخاک. هم وطن من، دوست من، خواهر من و برادرم اگر شرف داشتی و انسان بودی که نمیری و استوری می‌کنی که کسی خدایی نکرده نره اگر نه. پس هم بی‌شرفی و هم ایرانی نیستی و جدا از اون بی‌غیرتی! امضاء «ما عزادار عزیزان داخل ایران هستیم» با آرم «شب شیک پوشان». «گشت ارشاد انقلابی» عملاً در بسیاری از شهرهای خارج شعبه‌های چماق‌داران خویش را دایر کرده است و سعی در پیاده کردن سیاست زور و ارباب در مقابل با دگراندیشی و دگرزستی می‌باشد. «گشت ارشاد اسلامی» مُرد و در گورستان تاریخ منتظر کفن شدن است، سرنوشت محتومی که در انتظار «گشت ارشاد انقلابی» تازه به دوران رسیده کنونی نیز می‌باشد.

بعض جامعه ایران ترکیده و رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی در آینده‌ای نه چندان دور به دست توانای کارگران و زحمتکشان و جوانان آزاده ایران از اریکه قدرت به زیر کشیده خواهد شد. «گشت ارشاد انقلابی» با شعارها و اعمال و رفتار خویش با آشوب و بلوا، با تروریسم و آدمکشی عمر این جمهوری اسلامی را طولانی‌تر می‌نماید و چنین مباد!

#### Neue Frankfurter Presse 27.12.2022

Frankfurt/Main – Die Frankfurter Polizei hat nach eigenen Angaben Auseinandersetzungen zwischen zwei iranischen Gruppen verhindert. Zwei Männer wurden dabei festgenommen, drei Polizisten erlitten Verletzungen, wie das Polizeipräsidium Frank-

اسماعیلیون، مسیح علی‌نژاد، نازنین بنیادی و... از طرح رضا پهلوی، مبین عمق اختلافات جریان‌ات سیاسی است که تا دیروز حول محور وحدت کلمه، «نه به جمهوری اسلامی» ها در کنار هم بودند

رضا پهلوی در ادامه رویکرد معرفی خود به‌عنوان «تنها بدیل جمهوری اسلامی» و با شعار محوری امروز فقط اتحاد و نه به‌جمهوری اسلامی هفته‌های اخیر و به‌دنبال بروز اعتراضات برحق و خودجوش مردم که بعد از چندی به اغتشاشات بدل شده و به انحراف رفته است، به‌صورت پررنگ‌تری از سوی وی دنبال شد، تلاشش را به‌کار گرفت در قامت رهبر جریان «اپوزیسیون»، بار دیگر موضوع «گذار از جمهوری اسلامی» را مطرح و خود را به‌عنوان تنها فرد مطلوب برای پیشبرد این راهبرد معجول معرفی نمود.

طرح مسخره و مبهم و پرتناقض رضا پهلوی «من و کالت» می‌دهم در شرایطی روی می‌دهد که افکار عمومی مردم ایران پس از گذشت بیش از چهاردهه از سقوط رژیم منقر پهلوی، همچنان فساد، سرکوب و خیانت‌های سران این رژیم گماشته به‌اجنبی را فراموش نکرده است. خروج بیش از ۳۵ میلیارد دلار از پول مردم به‌خارج و فقط گوشه‌ای از آنهاست که در روزهای اخیر بار دیگر سرزبان‌ها افتاده، که هرگز از اذهان جامعه ایرانی پاک نخواهد شد.

خلاصه کلام اینکه جدا از جریان‌اتی نظیر فرقه رجوی و احزاب تجزیه‌طلبی چون حزب کومله، سیرک «من و کالت می‌دهم» سلطنت‌طلب‌ها، حتی صدای چهره‌های نزدیک به‌رضا پهلوی را هم در آورده است. حسن شریعتمداری دبیر شورای گذار (فرزند کاظم شریعتمداری) و گوگوش از جمله این افراد بودند که مخالفت خود با ریاست رضا پهلوی را اعلام داشته‌اند.

کارزار بلاهت‌بار «من و کالت می‌دهم» و آغاز دعوی سهم‌خواهی در قدرت موجب شده حتماً این توهم پیش آید که گویا رژیم جمهوری اسلامی عامل بروز چنین اختلاف‌هایی در جبهه اپوزیسیون است و طرح من و کالت می‌دهم را توسط «عامل نفوذی‌اش» در شبکه «منوتو» جا انداخت!!!

این کم‌دی «کسب قدرت» و گذار از «دیکتاتوری به‌دمکراسی» و جمع‌آوری امضای ۳۰۰۰۰۰ هزار نفر و رهبری که مورد حمایت و قبول حتی خودی‌های اپوزیسیونی که در برلن گرد آمدند نیست، تکرار کسالت‌آور جریان‌ات بیگانه پرستی است که پیش از تولدش به‌پایان رسید. تحولات سال‌های اخیر نشان داده است که توده مردم ایران فقط با اتکا به نیروی مستقل خویش و تشکل و آگاهی می‌توانند از شر استبداد داخلی، فساد و فقر و سرکوب و تبعیض و وابستگی‌های اقتصادی به‌امپریالیسم خلاص شوند\*



## کم‌دی "من و کالت می‌دهم" پیش از تولدش به‌پایان رسید

پهلوی چی‌ها بیش از ۴۴ سال در آرزوی بازگشت به‌ایران و احیای سلطه تاج و تخت استبداد وابسته به‌امپریالیسم آمریکا هستند و از هیچ‌گونه تلاش خائنه‌ای دست بر نداشتند. اخیراً رضا پهلوی مجدداً به‌خیالبافی پیرامون شرایط «گذار از نظام جمهوری اسلامی» پرداخته و با کارزاری از پیش طرح‌ریزی شده در «شبکه منوتو» تحت عنوان «من و کالت می‌دهم» قبل از اینکه آغازی برای یک پیشروی سیاسی باشد پایانی بر این پروژه احمقانه است که بیش از هر چیز، موجی از حملات را علیه خودکامگی خاندان پهلوی موجب گشت و از اختلافات ریشه‌ای جریان‌ات رقیب پرده برداشت.

شکی نیست پس از شکست پروژه سرنگونی رژیم و «انقلاب زن زندگی آزادی» و نا کام ماندن تمام تاکتیک‌های روزانه، تاکتیک‌هایی که فاقد استراتژی روشن بود، از دامن زدن به‌عزاداری مردم، تبلیغ روزچهل شهدا در گورستان‌های ایران تا بحران گاز و اعتصابات ساختگی و غلوآمیز بازاریان و کارگران نفت و بیانیه‌های سلبریتی‌های داخل و خارج... پرده دیگری از نمایش‌های مضحک سیاسی با محوریت «کالت دادن به رضا پهلوی برای گذار از جمهوری اسلامی» آغاز شد. کارزار «من و کالت می‌دهم» بیش از هر چیز، از اختلافات جریان‌ات بورژوازی و وابسته و رقابت برسر قدرت سیاسی در خارج کشور پرده برداشت. عدم‌حمایت جریان‌ات امپریالیستی نظیر حامد





## اعتصاب یا تجمع؟

### یاد داشتی در مورد انتشار اخبار جعل و دروغ برای شستشوی مغزی افکار عمومی

تحریف و دروغ «رادیو زمانه» حد و مرزی ندارد. این شبکه مزد بگیر امپریالیستی تجمع صنفی «۲۷ دی ماه را عمداً به «اعتصاب سراسری کارگران» تسری داده است!

اعتصاب یعنی خواباندن تولید برای مدتی تا کارفرما به مطالبات کارگران پاسخ گوید. اصولاً در طی اعتصاب بخشی از حقوق کارگران توسط صندوق اعتصاب و بخشی هم توسط کارفرما پرداخت می‌شود این در صورتی است که اتحادیه کارگران توسط کارفرما به رسمیت شناخته شود.

اما تجمع کارگران می‌تواند در وقت استراحت یا نهار یا بعد از پایان کار صورت گیرد تا زبانی به حقوق کارگران نرساند.

تجمعات کارگران صنعت نفت در روز «۲۷ دی ماه بخش بسیار کوچکی از کارگران را شامل شده است و نه اکثریت کارگران را آنطور که تحلیل‌گر رادیو زمانه گزارش کرده است. بیش از ۶۰ هزار کارکنان رسمی نفت، چند برابر این تعداد، کارگران رسمی و قراردادی، پیمانی و قرارداد معین در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی مشغول به کار هستند. تجمعات کارگران نفت در پی فراخوان داده شده بسیار محدود و ناچیز بوده و در مجموع به بیش از چند صد نفر نبوده است. **دوم اینکه** این تحلیل‌گر مزدبگیر عامدانه دست به تحریف زده

تجمع را به «اعتصاب» به خورد خوانندگان خود داده است تا تنور اعتراضات اخیر را که بشدت افت کرده است با اعتصاب سراسری کارگران ایران گرم کند. **سوم اینکه** مطالبات کارگران نفت صرفاً صنفی بوده و هیچ ربطی به اعتراضات اخیر نداشته است. مطالبات بخشی از کارگران نفت که دست به تجمع زده‌اند بدین قرار بود:

- ۱- انجام بی‌چون و چرای، ماده ۱۰ قانون اختیارات و وظایف وزارت نفت
  - ۲- بهبود جدول بدو استخدام ماده یاد شده به نحوی که همه کارکنان با هر شرایطی با توجه به تورم‌های کنونی از آن سود ببرند.
  - ۳- پرداخت بک‌پی ده‌ساله برآمده از دیر کرد در انجام ماده ده طبق قانون
  - ۴- اصلاح و بهبود وضعیت نابسامان خدمات درمانی وزارت نفت
  - ۵- پرداخت بی‌کم و کاست پاداش پایان بازنشستگی همچون گذشته در وزارت نفت
  - ۶- رسیدگی درخور و شایسته بازنشستگان صنعت نفت و بهبود زندگی این بخش از بزرگان صنعت نفت
  - ۷- تعدیل بهنگام مدرک کارکنان و آسان نمودن چگونگی تعدیل
  - ۸- ساماندهی سمت‌های کارکنان
  - ۹- رسیدگی به وضعیت نابسامان و نگران‌کننده صندوق بازنشستگی نفت و اصلاح اساسنامه آن
- گزارش «رادیو زمانه» در مورد تجمع کارگران نفت با تیتیر

درشت «اعتصاب گسترده کارکنان رسمی نفت» شروع می‌شود تا به خواننده اینطور القا کند که در ایران اعتصاب گسترده‌ای صورت گرفته است. بکار بردن واژه اعتصاب در این گزارش نادرست، تحریف و دروغ محض است. حقیقت این است که در تاریخ ۲۷ دی ماه تجمعات و اعتراضات محدودی صورت گرفته اما اعتصابی رخ نداده است. «رادیو زمانه» همانند سایر رسانه‌های برون مرزی مرتب اخبار دروغ و غلو آمیزی منتشر کرده تا با تزریق اینگونه جعلیات به خواننده خود آنها را به‌ادامه «انقلاب نوین زن زندگی آزادی» ترقیب و تشویق نماید.

در این گزارش آمده است: «در بیانیه پایانی اعتصاب به وزارت نفت و حکومت هشدار داده شده: «۲۷ دی ماه روز پایان است، این بارش آغاز سیل بنیان کن دلاور مردان صنعت نفت است، تا کنون با جان دل هر آن‌چه را داشتیم، بی‌رنگ و ریا برای تولیدی گذاشتیم که سودش در جیب شما و سفره‌های خالی، آلودگی، بیماری و روان‌های اشفته‌اش برای ما و خانواده‌های ما بود.»

حقیقت این است در بیانیه پایانی کارگران سخنی از اعتصاب نرفته است و واژه معنا دار اعتصاب با چند جمله از بیانیه در آمیخته تا خواننده اینطور برداشت کند که اعتصاب درخشانی در صنعت نفت صورت گرفته و ارکان رژیم سرمایه‌داری به لرزه درآورده است. اعتصابی که یادآور اعتصاب کارگران قهرمان نفت در آستانه انقلاب بهمن ۵۷ است!!

و در ادامه گزارش می‌خوانیم: «کارکنان رسمی واحدهای عملیاتی صنعت نفت سه شنبه ۲۷ دی در مراکز نفتی چند استان اعتصاب و تجمع کردند. اعتصاب با فراخوان شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان نفت با خواست اجرای قانون ماده ۱۰ برگزار شد. تعدادی از شرکت کنندگان در تجمع پالایشگاه دوم بازداشت و سپس آزاد شدند. در ماهشهر و آبادان ماموران امنیتی و حراست اقدام به برخورد فیزیکی با معترضان کردند. اعتصاب سراسری ۲۷ دی، در ادامه اعتصاب و اعتراضات نمادین کارکنان نفت مناطق عملیاتی صورت می‌گیرد که آخرین مورد آن هفته گذشته آغاز شد. کارکنان سکوهای عملیاتی گاز هفته گذشته در ۳۵ سکوا از ۳۷ سکوی استخراج گاز از ارسال گزارش روزانه تولید به مقامات بالا خودداری کرده و به وزارت نفت التیما توم دادند در صورت بی‌توجهی به خواسته‌هایشان به اعتراض گسترده‌تری دست خواهند زد. واکنش کارکنان رسمی نفت به فراخوان اعتصاب ۲۷ دی گسترده بود.

«شورای سازماندهی کارکنان پیمانی نفت» هم با انتشار بیانیه‌ای از اعتصاب ۲۷ دی کارکنان رسمی حمایت کرد. منابع اطلاع رسانی کارکنان نفت در رسانه‌های اجتماعی،

تاکنون تصاویری از تجمع کارکنان رسمی مناطق عملیاتی در شرکت نفت و گاز پارس، شرکت پالایش گاز فجر جم، شرکت فلات قاره قشم، شرکت نفت و گاز پارس عسلویه، دهلران، منطقه سیری در جنوب بندر لنگه، شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری، شرکت بهره‌برداری نفت و گاز غرب در چشمه خوش دهلران، پالایشگاه ایلام، شرکت بهره‌برداری نفت و گاز کارون، و شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون در اهواز، شرکت فولاد سیرجان ایرانیان، پالایشگاه پنجم مجتمع گاز پارس جنوبی عسلویه و مقابل شرکت نفت در شیراز منتشر کرده‌اند.

خواننده توجه می‌کند که در این گزارش که با آب و تاب و تکرار واژه «اعتصاب» حتی اعتصاب سیاسی از نفتگران به چشم می‌خورد در واقع خبری از اعتصاب نبوده بلکه تجمع کارگران نفت برای طرح مطالبات صنفی شان بوده و در خلال سالهای اخیر ما با صدها از این نمونه تجمعات کارگری در سراسر ایران روبرو بوده‌ایم.

«رادیو زمانه» گزارش را با نقل قولی از «شورای هماهنگی با عنوان» دیگران را به قیمت جان نمی‌خریم «که همان روز ۲۷ دی منتشر شد، بار دیگر خواهان رسیدگی به مطالبات کارکنان رسمی شد که در ۹ بند به شرح فوق آمد، به پایان می‌برد.

در پایان به این نکته مهم اشاره می‌کنیم که در تاریخ معاصر ایران از کارگران صنعت نفت به‌عنوان یکی از ستون‌های اصلی انقلاب و سرنگونی حکومت پهلوی یاد می‌شود. نقشی که مبارزات شجاعانه کارگران و کارمندان صنعت نفت و گاز ایران در جریان انقلاب بهمن ایفا کرد، به اندازه‌ای تعیین کننده و برای سایر اقشار و مردم ایران الهام‌بخش بود که در ماه‌های پایانی منتهی به انقلاب شعار «کارگر نفت ما، رهبر سرسخت ما» به یکی از شعارهای مهم انقلابی تبدیل شد که طومار ۲۵۰۰ سال سلطنت را برای همیشه درهم پیچید. صنعت نفت ایران در قرن چهاردهم شمسی همواره موتور محرک و پیشران جامعه و اقتصاد ایران بوده، کارگران متخصصی که از یکسو همواره بخش بسیار بزرگی از ثروت تولید شده در کشور به‌دستان توانمند آنان رقم خورد و از سوی دیگر در مبارزه با استعمار و دیکتاتوری و سلطنت پرچمدار جامعه ایران بودند.

این تاریخ و این مبارزه درخشان برای «رادیو زمانه» و همه رسانه‌های وابسته برون مرزی بیگانه است و این جریانات به‌دروغ در پشت حمایت از مبارزه گارگران قهرمان نفت برای منحرف کردن مبارزه آنها پنهان شده‌اند. باید هوشیار بود و این مزدوران امپریالیسم را آرام نگذاشت.\*



و میزان حداقل حقوق و گذر از خط فقر به یکی از مشکلات اصلی آنان بدل شده است، جماعتی که معلوم نیست عقل از سرشان پریده و یا اینکه سر در آخوری دارند، می‌خواهند با فراخوان تشکل‌هایی بی‌هویت که به بود و نبودش می‌بایست شک کرد، کارگران و زحمتکشان را بدون داشتن تشکل و سازمان و آگاهی و چشم‌انداز روشن برای تسخیر قدرت در هر «اعتصاب سراسری چند صد نفره!» دعوت می‌کنند.

از جوگیر شدن آن دسته فعالان و تشکلات صنفی مستقل که به دنبال انقلاب مجازی ۱۴۰۱ افتادند و گمان بردند که توفان تبلیغاتی در دنیای مجازی، واقعیت بیرونی و عینی دارد و می‌بایست به دنبالش روان شد حرفی نمی‌زنیم، و به موضوع دیگری که همواره وجود داشته و دارد می‌پردازیم، به شرایط و چگونگی مبارزه صنفی و سیاسی کارگران و زحمتکشان! متأسفانه کسانی که هم دوست در میانشان است و هم دشمن با طرح شعارهای ناصحیح و زود هنگام و در مواردی انحرافی سعی دارند تا کارگران و زحمتکشان شاغل و بازنشسته را از تشکل‌یابی بدور سازند و ویروس فردگرایی و یا عدم نیاز به رهبری و تشکل‌یابی را در میان آنها منتشر سازند و یا با طرح شعارهایی آن‌ها را از مبارزه‌ای مبتنی بر بردباری، با برنامه و طولانی جدا سازند و در هر حرکت کوچک و یا بزرگی، علیه استثمار و کلیت نظام سرمایه‌داری به موضع‌گیری وادارند و برای انقلاب! و ایجاد سوسیالیسم! به حرکت در آورند. در حالی که جنبش فرودستان در موضع ضعف است و طبقات بالا دست در موضع تهاجمی، در حالی که اعتصابات در اکثر موارد به‌خواسته‌های کوچک نیز دست نمی‌یابند، این دوستان و همچنین دوست نمایان در هر تجمع و اعتصابی لیستی بلند بالا از تمامی خواسته‌های قابل دسترس و غیرقابل دسترس تهیه می‌کنند که بیشتر شبیه به سنگی بزرگ برای نزدن است! مبارزه طبقاتی نیاز به بردباری و صبوری دارد، نیاز به دانش

## در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار، گزارشات و اعتراضات کارگری در دی ماه ۱۴۰۱

تصویری از تجمع کارگران نفت در دی ماه

مبارزه کارگران همواره با مشکلات ریز و درشت و فراز و فرودهایی فراوانی روبرو بوده است. از آنچه دشمنان آشکار طبقاتی کارگران سد راه کارگران ساخته‌اند اگر در این نوشته کوتاه بگذریم، مابقی درگیریهایی عینی و ذهنی مبارزاتی مقابل زحمتکشان در دو گروه قرار می‌گیرد که برخی از آن‌ها ناشی از کم‌خردی دوستان نادان بوده و برخی دیگر از ناحیه دشمنانی با نقاب دوستی می‌باشد.

در حالی که کارگران و زحمتکشان شاغل و بازنشسته ایران درگیر حق و حقوق عقب افتاده خود و یا داشتن و نداشتن بیمه هستند و یا هر روز و هر ساعت، مشکل گرانی و تورم و کم شدن ارزش دستمزد خود را دارند و هر بار که برای خرید مایحتاج زندگی با ضربه جانکاه «از دست دادن قدرت خرید» ریال، به «چه کنم؟ چه کنم؟» می‌افتند، کم حوصله‌گانی و یا جیره خواران دشمن طبقاتی، با شعارهای تند و تیز کارگران و زحمتکشان را در یک شرایط نابرابر توازن قوای طبقاتی برای بدست گرفتن قدرت سیاسی دعوت می‌کنند. در حالی که کارگران با قراردادهای سفید امضاء، پیمانی و ناپایدار، امنیت شغلی و معیشتی ندارند و در محیط‌های کاری ناایمن، بدون امنیت جانی مشغول کار هستند. جماعتی نادان و یا مشکوک کارگران را به انقلاب، آن هم بدون تشکل و رهبری فرا می‌خوانند. در حالی که مردم مصیبت زده در «نظام مقدس سرمایه‌داری اسلامی!» از داشتن حداقل حقوق انسانی بی‌بهره‌اند

بهره‌یافتند، او آنجاست، هر کجا پلیس و نیروی سرکوب بخواهد کسی را با چماق نقش زمین کند، او آنجاست. بکنش آبتین نمرده است. در نخستین سالگرد قتل بکنش آبتین ضمن گرامیداشت یاد این عضو سربلند، بار دیگر بر خواست مبرم آزادی بیان بی‌هیچ حصر و استثنا برای همگان پا می‌فشاریم.»

سندی‌کای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با انتشار اطلاعیه‌ای خواهان آزادی لیلا حسین زاده شد. در این اطلاعیه آمده است: «ضرب و شتم لیلا حسین زاده در شب گذشته و همچنین بازداشت‌های خشونت آمیز او به‌بانه‌های واهی و پرونده‌سازیه‌های کاذب و تکراری علیه ایشان بشدت محکوم است. لیلا حسین زاده از فعالین شناخته شده و مقاوم جنبش دانشجویی و از حامیان جنبش کارگری می‌باشد که همواره در کنار کارگران و مردم تحت ستم در سراسر کشور بوده است. لیلا حسین زاده از نظر جسمانی قادر به تحمل حبس نیست و باید فوری آزاد شود»

## ۱۶ دی

علی حسین شمایی و کیومرث واعظی، از معلمان شهرستان سنقر و کلیایی از توابع استان کرمانشاه، با اتهامات واهی «تبلیغ علیه نظام و تحریک و اغوا مردم» در مجموع به ۱۱ سال و ۱۰ ماه حبس تعزیری محکوم شدند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکومیت این احکام صادره، خواستار لغو تمامی این احکام، و آزادی فوری و بدون قید و شرط همه‌ی دانش‌آموزان و معلمان زندانی شد.

## ۱۹ دی

لیلا حسین زاده پس از تحمل ۵ ماه بازداشت از زندان آزاد شد. برای آزادی فوری بی‌قید و شرط سایر فعالین کارگری و دانشجویی و معلمان بکوشیم و صدایشان باشیم!

کیوان مهتدی نویسنده، مترجم و عضو کانون نویسندگان ایران در پی پرونده‌سازی امنیتی به‌اتهامات واهی «اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام به ۶ سال زندان محکوم شد. سندی‌کای کارگران شرکت واحد با انتشار بیانیه‌ای حکم صادره علیه ایشان را محکوم ساخت. در این بیانیه آمده است: «... سندی‌کای شرکت واحد حکم صادر شده علیه کیوان مهتدی را قویا محکوم می‌کند و خواستار آزادی بی‌قید و شرط او و دیگر فعالین کارگری، معلمان، دانشجویی، زنان و کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی است.»

## ۲۰ دی

سندی‌کای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با انتشار اطلاعیه‌ای تداوم حبس ظالمانه داوود رضوی را محکوم ساخت. در این اطلاعیه آمده است: «... نه آزادی موقت شامل ایشان شده و نه تاریخ دادگاه او تعیین شده است. خانواده‌ی داوود رضوی نگران وضعیت سلامتی ایشان در زندان و تداوم

مبارزاتی و البته نیاز به تشکل و رهبری دارد. مبارزه طبقاتی با فردگرایی، منیت و ضدیت با دانش و تجربه، ضدیت با تشکل و رهبری پیش نخواهد رفت. مبارزه امری است زمانبر که با تعجیل و شتاب‌زدگی منافات دارد. می‌بایست با تکیه بر تجربه تاریخی مبارزات فرودستان در ایران و جهان مبارزه زحمتکشان را در دو کانال صنفی و سیاسی که مرتبط و جدا از هم می‌باشند به پیش برد.

در دی ماه کارگران و زحمتکشان شاغل و بازنشسته در میدان مبارزات صنفی، با طرح خواسته‌های برحق خود به تلاش پیگیر خود ادامه دادند و در ذیل به‌بخشی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

## سرکوب و مقاومت

### ۵ دی

روزبه سوهانی و علیرضا آدینه به قید وثیقه‌های سنگین ۶۰۰ و ۷۰۰ میلیون تومانی موقتا آزاد شدند.

### ۷ دی

رحیم سرکار، رئیس سابق کانون صنفی فرهنگیان استان قزوین، در دو پرونده جداگانه به‌اتهامات واهی تبلیغ علیه نظام و نشر اکاذیب به یک سال حبس تعزیری و ۲ سال ممنوع‌الخروجی از کشور محکوم شد.

### ۸ دی

جمعی از کنشگران صنفی البرز و تهران در همراهی با همسر معلم زندانی مسعود فرهیخته برای پیگیری وضعیت او به زندان اوین رفتند.

### ۱۰ دی

مسعود قبادی معلم شریف اهل استان کهگیلویه و بویراحمد، که با وجود بیماری قلبی در بازداشت به سر می‌برد، به قید وثیقه آزاد شدند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با انتشار اطلاعیه‌ای آزادی ایشان را به‌خانواده محترم و جامعه فرهنگیان مطالبه‌گر تبریک گفت و بر آزادی دیگر همکاران دربند تاکید کرد.

### ۱۵ دی

کانون نویسندگان ایران در نخستین سالگرد ستم‌کشته‌ی راه آزادی بکنش آبتین، با انتشار اطلاعیه‌ای یاد او را گرامی داشت. در این اطلاعیه آمده است: «... بکنش آبتین زنده است، هر کجا ستمی بر انسانی برود، بکنش آنجاست، هر کجا آزادی و آزادی بیان کسی پایمال قدرت حاکم شود، بکنش آنجاست، هر کجا برای شکم گرسنه‌ی مردم جنبشی

**نفت، گاز، پتروشیمی و نیروگاه‌ها****۱۰ دی**

کارکنان رسمی شاغل در «پالایشگاه نفت آبادان، شرکت نفتی آذر مهران واقع در استان ایلام و پالایشگاه اراک» مطابق فراخوان از پیش اعلام شده، در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان، دست از کار کشیده و در محیط کار خود، دست به تجمع زدند. کارکنان رسمی صنعت نفت خواستار اجرای ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت و پرداخت بک‌پی آن، حذف مالیات زیاد از حقوق‌ها، حذف سقف حقوقی، افزایش حقوق و دستمزد، پرداخت پاداش بازنشستگی، بهبود خدمات رفاهی و وضعیت بهداشت و درمان، ابطال اساسنامه صندوق نفت و رسیدگی به دیگر مطالباتشان هستند.

**۱۴ دی**

کارگران شاغل در پتروشیمی چوار (الفین ایلام) در محوطه پتروشیمی و سپس در فرمانداری و اداره کار چوار دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار تبدیل وضعیت و قرارداد مستقیم با مجتمع شدند.

**۱۶ دی**

کارکنان رسمی شاغل در ۳۴ سکوی تولید گاز منطقه پارس جنوبی از روز ۱۴ دیماه در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌های کارکنان عملیاتی وزارت نفت دست به اعتراض زده و تا به امروز علیرغم حفظ و تداوم روال تولید، از ارسال گزارشات تولید خودداری کرده‌اند. لازم به ذکر است که از ۳۷ سکوی تولید گاز منطقه پارس جنوبی تنها ۳ سکوی در این اعتراض شرکت نکرده و مابقی ۳۴ سکوی گازی در روزهای گذشته گزارشات تولید را ارسال نکرده‌اند. کارکنان رسمی صنعت نفت خواستار اجرای ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت و پرداخت بک‌پی آن، حذف مالیات زیاد از حقوق‌ها، حذف سقف حقوقی، افزایش حقوق و دستمزد، پرداخت پاداش بازنشستگی، بهبود خدمات رفاهی و وضعیت بهداشت و درمان، ابطال اساسنامه صندوق نفت و رسیدگی به دیگر مطالباتشان هستند.

**۱۹ دی**

کارگران فضای سبز نفت آغاچاری در اعتراض به وضعیت بلا تکلیف شغلی خود از شهرستان امیدیه استان خوزستان راهی تهران شده و به ساختمان وزارت نفت مراجعه کردند. دو نفر از مسئولان واحد استخدامی وزارت نفت در دیدار با نمایندگان کارگری فضای سبز نفت آغاچاری، حضور داشته و قرار شده وضعیت شغلی کارگران جایگزین فضای سبز شرکت نفت آغاچاری که تاکنون به صورت شرکتی، حجمی و قرارداد

حبس و بلا تکلیفی این فعال کارگری می‌باشند. کلیه فعالین کارگری، معلمی، دانشجویی، دانش آموزی، و فعالین جنبش زنان، معترضین بازداشتی و زندانیان سیاسی آزاد باید گردند...

**۲۲ دی**

رضا شهابی و حسن سعیدی در بیدادگاه تجدیدنظر بهشش سال حبس تعزیری و دو سال تبعید و ممنوعیت فعالیت محکوم شدند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با انتشار اطلاعیه‌ای این احکام ظالمانه را محکوم ساخت. در این اطلاعیه آمده است: «... همانطور که پیشتر اعلام کرده بودیم انتظار دادگاهی عادلانه از حاکمیت توهمی بیش نیست، و یکبار دیگر به مقامات حکومتی یادآوری می‌کنیم که سرکوب، زندان، سناریوسازیهای نخنما و دادگاه‌های فرمایشی دیگر اثر ندارند. کلیه فعالین کارگری، معلمی، دانشجویی، دانش آموزی، و فعالین جنبش زنان، معترضین بازداشتی و زندانیان سیاسی آزاد باید گردند.»

**۲۶ دی**

سارا سیاهپور فعال صنفی معلمان تهران به ۶ سال زندان، ۲ سال ممنوع الخروج و ۲ سال محرومیت از فعالیت‌های صنفی و قانونی محکوم شد. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با انتشار اطلاعیه‌ای، احکام ظالمانه را محکوم ساخت. در این اطلاعیه آمده است: «... شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ضمن محکوم کردن صدور احکام قضایی علیه فعالان صنفی، بر ادامه پیگیری مطالبات پای می فشارد و از همه پتانسیل اعتراضی خود علیه این رویه استفاده خواهد کرد.» جمعی از کنشگران فرهنگی و کارگری با حضور در منزل مسعود فرهیخته، معلم محبوس در زندان تهران بزرگ، با خانواده این معلم زندانی دیدار کردند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، ضمن محکوم کردن محبوس ساختن قانون شکنانه در حق این فعال صنفی معلمان البرز، خواهان آزادی فوری ایشان شد.

اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا با ارسال نامه‌ای به سید علی خامنه‌ای، خواستار لغو بی‌قید و شرط کلیه اتهامات علیه فعالین زندانی تشکلهای کارگری، مدافعان حقوق انسانی و معترضانی که با نقض آشکار قوانین بین‌المللی بازداشت شده‌اند، شد. در این نامه آمده است: «... ما کماکان به حمایت و همبستگی خود با فعالان کارگری، که به دلیل مبارزه برای آزادی تشکلهای بالاتر و شرایط کاری بهتر، و همچنین علیه تورم بالا، فساد، خصوصی سازی، غارت دارایی‌های عمومی، بی‌عدالتی‌های گسترده و نقض حقوق انسانی محاکمه و زندانی شده‌اند، ادامه داده و در همین راستا نگرانی خود را در رابطه با افزایش تعداد بازداشت شدگان فعالین صنفی معلمان و فعالین دانشجویی در ماه‌های اخیر ابراز می‌کنیم...»

تبدیل وضعیت باید زیر ۳۵ سال سن داشته باشید!

## ۲۰ دی

تعدادی از فعالین صنفی و معلمان شهرستان سقز و زیویه برای پیگیری وضعیت همکاران فرهنگی خود که به واسطه عمل کرد غیرقانونی و خارج از عرف مسئولان آموزش و پرورش کردستان، خصوصاً شهرستان سقز، مزایای رتب‌هندی از فیش حقوق آذر ماه آنها حذف شده بود، در محل اداره مذکور دست به تجمع اعتراضی زدند.

## ۲۴ دی

رسول بدایقی چهره خستگی ناپذیر مبارزات صنفی معلمان ایران طی دودهمه برای پیشبرد آموزش نوین و بهره‌مندی همه کودکان ایران از آموزش با کیفیت، رایگان و برابر، هزینه‌های زیادی پرداخته است. او پیش از این با نوشتن مقالات «آموزش سفید» به تبیین دیدگاه‌های خود از آموزش و پرورش مطلوب پرداخته است و هم‌اینک در زندان نیز همچنان این دغدغه کانونی خود را در امر آموزش دنبال می‌کند. در جدیدترین یادداشتی که رسول بدایقی در زندان اوین نگاشته، از خواسته‌های معلمان طی این سال‌ها سخن گفته و دلایل برخورد‌های سرکوب‌گرایانه حاکمیت با آنها و فریبکاری‌های منفعت طلبانه‌ی دو جناح حاکم در حکومت (اصولگرایان و اصلاح‌طلبان) را تبیین کرده است. در این یادداشت آمده است: «... حاکمیت مسئول فرستادن انسان‌ها به بهشت نیست، بلکه تامین کننده‌ی برابری فرصت‌های بهداشتی، آموزشی و شغلی برای تک تک افراد جامعه است. بهداشت و آموزش رایگان وظیفه‌ی حاکمیت است. از دیگر وظایف حاکمیت ایجاد اشتغال و بیمه‌ی کامل و امنیت شهروندان است. در صورت عدم تامین آن، حاکمیت، نامشروع و مستبد خواهد بود. خواه دم از خدا بزنند، خواه به شیطان تکیه کرده باشد...»

## بازنشستگان

## ۴ دی

جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی تهران در اعتراض به بی‌کفایت بودن هیات مدیره کانون تهران در مقابل سازمان تامین اجتماعی در تهران تجمع کردند. بازنشستگان معترض دست نوشته‌هایی در دست داشتند که در آنها نوشته شده بود: «خطر ورشکسته‌سازی سازمان تامین اجتماعی جدی است»، «هیات مدیره کانون‌ها به دلیل اینکه چند دوره است که در مسند کانون‌ها هستند قادر به جلوگیری از فقیرتر شدن بازنشستگان نیستند و باید بطور دست جمعی استعفا بدهند»، «ما با دلار خرید می‌کنیم ولی با ریال به ما حقوق می‌دهند»، «درمان رایگان و کامل طبق ماده ۵۴ (الزام درمان سازمان تامین اجتماعی) و ماده ۲۹ قانون اساسی حق ماست، ما بیمه تکمیلی نمی‌خواهیم» و «بازنشسته به پا خیز برای رفع تبعیض»

موقت کار کرده و هم اکنون با خروج پیمانکار وضعیت شغلی مشخصی ندارند، به صورت ویژه پیگیری شود. این کارگران گفتند ۲۵۶ چارت سازمانی خالی استخدامی در شرکت نفت آغاچاری وجود دارد که با واگذاری این جاهای خالی به ما ۶۳ کارگر، امنیت شغلی ما تضمین می‌شود.

## ۲۴ دی

کارگران حجمی فضای سبز نفت آغاچاری در اعتراض به بیکار شدن تعدادی از همکاران خود دست به تجمع زدند. «کلیه قراردادهای موقت باید ملغی گردد!»

## ۲۵ دی

جمعی از کارگران شاغل در شرکت عملیات غیرصنعتی ماهشهر در اعتراض به عدم اجرای طبقه‌بندی، حقوق‌های پایین، عدم رسیدگی به مشکلات و عدم پرداخت مطالباتشان دست از کار کشیده و تجمع برپا کردند.

## ۲۷ دی

مطابق فراخوان از پیش اعلام شده، کارکنان رسمی صنعت نفت شاغل در «چشمه خوش دهلران، پالایشگاه ایلام، شرکت بهره‌برداری نفت و گاز کارون، کارکنان رسمی شرکت نفت در شیراز و شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون در اهواز، شرکت پالایش گاز فجر جم، پالایشگاه پنجم مجتمع گاز پارس جنوبی عسلویه، شرکت نفت و گاز پارس، منطقه سیری در جنوب بندرلنگه، شرکت فلات قاره، شرکت نفت و گاز آغاچاری، قشم، شرکت نفت و گاز شرق در مشهد، پالایشگاه آبادان، شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون در اهواز، پتروشیمی ماهشهر و ...» در اعتراض به عدم اجرای ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، دست به تجمع اعتراضی زدند. از دیگر خواسته‌های کارکنان رسمی صنعت نفت، «پرداخت بک پی ده ساله برآمده از دیرکرد در انجام ماده ده طبق قانون، حذف مالیات زیاد از حقوق‌ها، افزایش حقوق و دستمزد، پرداخت پاداش بازنشستگی، بهبود خدمات رفاهی و وضعیت بهداشت و درمان، حذف سقف حقوقی و پرداخت فوق‌العاده ویژه، ابطال اساسنامه صندوق نفت و ...» می‌باشد.

## فرهنگیان

## ۱۲ دی

جمعی از معلمان خرید خدمات شهرستانهای استان تهران در اعتراض به شرایط استخدام، در اداره آموزش و پرورش شهرستان‌های کل استان تهران دست به تجمع زدند. جمعی از این معلمان می‌گویند: برخی از ما سابقه‌ی کار بالای ۱۰ سال خدمت داریم اما به دلیل شرایط سنی نتوانستیم تبدیل وضعیت شویم. این معلمان می‌گویند: سال‌ها با حقوق پایین در مناطق دورافتاده‌ی استان تهران تدریس کردیم، حقوقی که می‌گرفتیم حتی خرج رفت و آمدمان هم نمی‌شد، اما حالا می‌گویند برای

## ۱۸ دی

جمعی از بازنشستگان کارگری در شهرستانهای شوش، کرخه، هفت تپه و شهر حر در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان مقابل اداره تامین اجتماعی محل اقامت خود، دست به تجمع زدند و خواستار توجه به مطالبات و خواسته‌های خود شدند. از جمله مطالبات این بازنشستگان می‌توان به «اجرای ۲۵ درصد باقی مانده متناسب‌سازی، پرداخت عیدی سالانه به میزان شاغلین مشمول قانون کار، اجرای طرح قانون الزام و حذف بیمه مکمل یا پرداخت کامل سرانه حق بیمه تکمیلی توسط سازمان و پرداخت بدهی‌های دولت به تامین اجتماعی در جهت بهینه‌سازی و رفاه بیمه شدگان و بازنشستگان، از کار افتادگان و بازماندگان تامین اجتماعی» اشاره کرد. این بازنشستگان افزایش حقوق خود را تورم‌زا نمی‌دانند و می‌گویند: این حق ما است که براساس تورم حقوقمان افزایش پیدا کند و خواسته اضافه‌ای نداریم بلکه حق قانونی بازنشستگان است.

## کارگران دیگر

## ۱ دی

کارگران شرکت طلایه‌داران مس سرگز اسفندقه چیرفت، برای سومین روز متوالی در اعتراض به پایین بودن میزان دستمزد و عدم تناسب با تورم و هزینه‌های زندگی و عدم رسیدگی به مطالبات دیگر خود، دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. اعضای سندیکای کارگران حمل و نقل ترکیه در حمایت از رضا شهبابی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران، و دیگر اعضای زندانی سندیکا و مطالبات کارگران و مردم ایران، در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در استانبول، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

## ۱۳ دی

جمعی از پرسنل واحد رادیولوژی بیمارستان پورسینا در شهر رشت، با حضور مقابل ساختمان معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی گیلان نسبت به واگذاری واحد رادیولوژی به بخش خصوصی غیربومی که آینده کاری آنان را به خطر انداخته است، دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار پاسخگویی شدند. به نوشته رسانه محلی «گیل خبر»، معاون درمانی دانشگاه با چند نفر از معترضین گفت‌وگو کرد اما نتیجه‌ای در بر نداشت. واگذاری بخش رادیولوژی علاوه بر سرگردانی ۹۰ نفر کارکنان آن، هزینه‌های درمانی مراجعه‌کنندگان را نیز افزایش خواهد داد. «گیل خبر» نوشته است بخش رادیولوژی از پرمراجعه‌ترین بخش‌های بیمارستان است و واگذاری آن به بخش خصوصی می‌تواند هزینه‌های درمانی را به‌طور سرسام‌آوری افزایش دهد.

نیروهای شرکتی مخابرات سراسر استان گیلان به دلیل مخالفت با امضای قرارداد با شرکتهای محلی، ممنوع‌الورود شدند و کارکنان قراردادی نسبت به مناقصه اخیر شرکت مخابرات و منع ورودشان و نادیده گرفتن حقوق و مطالبات خود اعتصاب

کرده و دست به تجمع اعتراضی زدند و به دلیل منع ورود این نیروها، مخابرات استان گیلان تعطیل شد.

## ۱۹ دی

جمعی از کارگران کارخانه یدک موتور واقع در شهرک صنعتی کاوه در استان مرکزی در اعتراض به میزان حقوق دریافتی پایین خود و عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل مقابل کارخانه تجمع کردند

## ۲۰ دی

چهار نفر از پنج کارگر اخراجی شرکت گروه ملی فولاد ایران که شش ماه پیش به شرایط حقوقی و عدم اجرای طرح طبقه‌بندی اعتراض کرده بودند، با رای هیات حل اختلاف اداره کار استان خوزستان از ابتدای دی‌ماه سال جاری به کار بازگشتند. یکی از این پنج کارگر که هنوز حکم بازگشت به کار خود را دریافت نکرده، عنوان می‌کند که علت عدم بازگشت به کار وی این است که به دلیل بیماری نتوانسته در جلسه رسیدگی به مشکلات کاری وی شرکت کند.

## ۲۸ دی

جمعی از پرستاران دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی، کمبود شدید نیرو در قیاس با سایر استانها، عدم پرداخت کارانه‌ها، عدم پرداخت هزینه ناپیاز لباس و مسکن و همچنین عدم اجرای صحیح قانون ارتقا بهره‌وری دست به تجمع زدند و خواستار رسیدگی مقامات به مطالباتشان شدند.

## ۲۹ دی

چهار تشکل مستقل کارگری و بازنشستگان «سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، گروه اتحاد بازنشستگان و بازنشستگان تامین اجتماعی خوزستان» با انتشار بیانیه‌ای خواستار تعیین حداقل دستمزدی بالای خط فقر، برای سال ۱۴۰۲ شدند. در این بیانیه آمده است: «... با توجه به نرخ تورم کنونی و نرخ تورم قابل انتظار در سال آینده، حداقل دستمزد در سال ۱۴۰۲ در هیچ رشته و هیچ بنگاه و موسسه‌ای نباید از ۲۵ میلیون تومان در ماه کمتر باشد. روشن است که حداقل دستمزد به‌عنوان مبنا و مزد پایه برای پایین‌ترین سطوح مزدی محاسبه می‌گردد. بی‌تردید بخش‌های مختلف جامعه کارگری بر اساس مهارت‌ها، سختی و زیان آور بودن کار و طبقه‌بندی مشاغل باید از مزدهای بالاتری برخوردار گردند. ... مبارزه برای افزایش مزد و دیگر خواست‌های اقتصادی و رفاهی کارگران به‌هیچ رو از مبارزه برای ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری، آزادی عقیده و بیان و حق اعتراض، اعتصاب، راهپیمایی، حق تحزب و برابری کامل زن و مرد در تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی جدا نیست و تلاش‌های کارگران در این زمینه‌ها راهگشای دستیابی آنها به یک زندگی انسانی و غلبه زندگی بر مرگ است.»

**بی‌حزبی شعار دشمنان کارگران است!**

**چاره زحمتکشان وحدت و تشکیلات است!\***



## نکاتی پیرامون بیانیه شش نفر از "اپوزیسیون" پروامپریالیستی به مناسبت سال نو مسیحی

و می‌خواهند با «کمک» کاخ سفید و کاخ الیزه و رایش تاگ آلمان و کانادا و اینتلیجنت سرویس انگلیس و ناتانیا هو و عربستان و غیره سال جدید را سال تحقق «آزادی و عدالت» آنهم با «هر باور و زبان و گرایش» آرزو کنند!!؟ اینان عقل‌شان قد نمی‌دهد که جمهوری سرمایه‌داری اسلامی ایران را نمی‌توان با تحریم، اخراج دیپلماتها و بمباران‌های هوایی و دریایی سرنگون کرد. این مهم، یعنی تغییر رژیم، فقط از دست ملت ایران بر می‌آید که پیشیزی ارزش برای شماها قائل نیستند چون می‌دانند که سر در آخور چه کشورهایی دارید.

مردم ایران، خصوصا کارگران و زحمتکش‌شان، بعد از ۴۳ سال رنج و اندوه و فقر و گرسنگی و تبعیض و نابرابری و ظلم و بیداد بخوبی می‌دانند که در «هر باور و گرایش» شما چه جانورانی لانه کرده‌اند.

شماها به‌جای مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری حاکم، علیه استعمار کارگران ایران، علیه دخالت‌های بیگانگان، علیه مسببین کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، علیه بانیان نشست «گوادلوب» ، بعضی‌ها تان ابلهانه و بعضی‌ها خائنانه و زیرکانه، بام تا شام ، دن کیشوت وار فقط علیه آخوندهای تبهکار حاکم سینه چاک می‌کنید و کف برده‌ان می‌آورید و سر سوزنی آگاهی ندارید که این نظام سرمایه‌داری انگل صفت است که شرّ مطلق است! چه با عمامه اداره شود و چه با کراوات!! ساده‌اندیشانی نظیر علی کریمی، گلشیفته فراهانی و دیگران بدانند که همه وطنفروشان و همه مزدوران و آدمکش‌شان، از جمله «پرویز ثابتی» ها در «هر باور و گرایش» شما از قبل جا رزرو کرده‌اند و از همین حالا که چیزی نه به بار و نه به دار، کلاه گشادی سرتان رفته است!

به‌هوش باشیم تا از ترس عقرب جزاره به مارغاشیه پناه نبریم!!\*

بارها گفتیم و باز هم می‌گوییم که سیستم اقتصادی مسلط بر کشور ایران، سرمایه‌داری از نوع تجاری، انگلی، دلالی، ربایی، اسلامی، رانتی، نئولیبرالی و عمیقاً ارتجاعی و متکی به سیاستهای اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است که تا بطن‌ن‌اش فاسد می‌باشد!

هیئت حاکمه چنین نظامی، با مجموعه‌ای از آدمهای باعمامه و ریش‌دار بنام «آخوند و یا ملا» و بدون عمامه با و یا بدون ریش و با نظارت کامل «ولایت مطلقه فقیه» اداره می‌شود که همچون اسلاف‌شان به ثروت‌اندوزی و مُکنت و به سرمایه‌داری و تقدس مالکیت خصوصی بر کارخانه‌ها، بانک‌ها، زمین‌ها، جنگل‌ها و معادن اعتقاد راسخ دارند!

این جماعت با چنین اعتقادی، بیش از چهل سال است که ثروتهای روی زمین و زیر زمین را می‌چاپند و در این کار، مردمانی فوق‌العاده بی‌رحم، غدار، تبهکار و فریبکارند!

فقط انسان‌های آگاه و استخوان خورد کرده واقفند که بدون تشکیلات، بدون رهبریت، بدون سازماندهی، بدون داشتن تئوری انقلابی، بدون حزب و بدون مشارکت میلیونی کارگران و زحمتکش‌شان کشور، نمی‌توان چنین رژیم سفاکی را با انواع و اقسام نیروهای سرکوبگرش به‌زیر کشید و نظم نوینی را مستقر ساخت!! حال مشت‌آدم‌های بی‌مایه و پرمدعا و ساده‌اندیش با ماران خوش خط و خالی نظیر معصومه علینژاد قمی کلاویه مزد بگیر «سیا و پنتاگون» و رضا پهلوی کودتازاده..... همصدای شدند





## احکام اعدام محمد مهدی کرمی، و سید محمد حسینی برای ارباب به اجرا در آمد

خبرگزاری قوه قضاییه اعلام کرد احکام اعدام محمد مهدی کرمی، ۲۲ ساله، و سید محمد حسینی، ۳۹ ساله، به اجرا در آمد و این دو معترض در ارتباط با پرونده کشته شدن یک بسیجی به نام روح الله عجمیان، بامداد ۱۷ دی ماه به دار آویخته شدند. رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی که امروز بیش از هر زمان احساس خطر می‌کند و خود را در اثر سال‌ها دزدی و فساد، خویشاوندسالاری و تبعیض در محاصره از درون و برون می‌بیند برای برون رفت از این بن بست و دامی که برایش گسترده‌اند مثل همیشه یک راه را برگزیده است، راه تشدید سرکوب و اعدام برای ارباب. هیچ رژیمی با تکیه به سرکوب و پایمال کردن حقوق مردم و بدون حمایت ملت، امکان ایستادگی در مقابل دشمن خارجی را ندارد و محکوم به شکست است. رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی تصمیم دارد راه وابستگی اقتصادی نئولیبرالی و خصوصی‌سازی‌های جنایتکارانه را ادامه دهد و انبوهی از نارضایتی در خدمت طبقات حاکمه بیآفریند. امروز رسانه‌های امپریالیستی از ته دل از این اعدام شادمانند، زیرا خودشان مشوق تنش و ناآرامی در ایرانند و از این فرصت استثنایی که در اثر جنایت و بی‌توجهی رژیم به حقوق مردم زمینه ساز چنین شرایطی شده بیشترین بهره برداری را برای مقاصد شوم خود می‌کنند. امپریالیست‌های غربی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا برای

حفظ نظم کهن تک قطبی و جنگی که در عرصه جهانی در گرفته است امنیت و تمامیت هیچ کشوری را که در جبهه مخالف قرار دارد بر نمی‌تابند و با توسل به قهر و خشونت و جنگ هیبریدی پاسخ می‌گویند.

از این رو تشویق جوانان به شورش و براندازی رژیم با توسل به هر وسیله، شعار و تحت هر شرایطی، امید کاذب دادن به فروپاشی رژیم و گوشت دم توپ کردن جوانان ناراضی در یک مقابله زودرس و نابرابر آنهم تحت تاثیر جنگ هیبریدی و اعمال رهبری فضای مجازی اجانب به بهانه کسب آزادی ایران و تحقق دموکراسی و احترام به حقوق زنان و کرامت انسانی، یک سیاست راهبردی جنایتکارانه است که هدفش فقط ایجاد هرج و مرج و تقویت تروریسم و بی‌ثباتی در ایران است. دلسوزی و برآمد این حامیان دروغین حقوق بشر برای نقض حقوق بشر و مخالفت با اعدام در ایران اوج ریاکاری و حاکی از ماهیت ضدبشری این استعمارگران نو و کهنه است.

آنها در این جنگ روانی ابزار موثری در تبلیغات می‌سازند تا برای ناقضان حقوق بشر و حقوق ملل، کارساز و مفید واقع شود. متأسفانه این دو جوان هموطن ما نیز مانند بسیاری از جوانان ایران در ماه‌های اخیر قربانی سیاستی شدند که هدفشان برانداختن رژیم جمهوری اسلامی بدون داشتن دورنما و چشم‌انداز روشن و در بستر جدالی که در عرصه جهانی در گرفته است، بود.

رژیم با توسل به اعدام به عنوان ابزار ارباب تا مدتی می‌تواند به حکومتش ادامه دهد، لیکن هیچ رژیمی تا کنون نتوانسته است با چنین سیاست جنایتکارانه‌ای برمسند قدرت باقی بماند و بر مردم حکومت کند.

فرجام چنین رژیم‌هایی جز شکست و فروپاشی نیست. \*

گشتند و عملاً به موفقیت چشمگیری نائل آمدند، ندارد. می‌دانیم که متعاقب آن بسیاری از زنان شجاع، متین و با وقار میهن ما با حفظ شخصیت والای زنانه خود حجاب از سر بر گرفتند و با قامتی افراشته در خیابان‌های کشور در گشت و گذارند. این دست آوردها و این صحنه‌ها در تعارض کامل با پروو کاسیون‌هایی از نوع «شارلی ابدو» قرار دارند.

تکرار می‌کنم گذاردن این ویدئو روی آهنگ زیبای «لیبرته» هم به هیچوجه از مستهجن بودن صحنه‌های آن که با خواست، حرکت و عملکرد زنان با وقار، تیزهوش و دلاور ایران در تناقضی آشکار است نمی‌کاهد.

این ویدئو نه تنها در خدمت به‌رزم زنان ایران علیه جمهوری اسلامی نبود، نه تنها توهینی به آنها محسوب می‌شد، بلکه در عین حال آب به آسیاب جمهوری اسلامی سیاهکار و عناصر سیاه فکر آن - که گویا ما هم در زمره آنان قرار داریم! - ریخت.

نفی چنین تبلیغات ضد ایرانی و نیز نفی بعضی نظرات، حرکات و صحنه‌های مشمتر کننده «فمینیست‌های وطنی که هیچ قربانی با حقوق دمکراتیک و برابری طلبانه زنان به معنای کسب حقوق اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی زن ندارد، از جانب حزب ما به معنی نفی جنبش آزادخواهانه و حق طلبانه مردم ایران بویژه زنان در ۴ دهه گذشته نیست ما بدون هیچگونه غلوگویی، به سهم خود در ۴ دهه گذشته، بویژه در دهه اخیر پیوسته با احساس مسئولیت و انجام وظیفه از جنبشهای اقشار و طبقات مختلف نظیر کارگران هفت تپه، هپکو، فولاد اصفهان و... رانندگان اتوبوسرانی، معلمان پرستاران، باز نشسته‌گان، جنبش زنان و... به صورت مادی و معنوی جانانه به دفاع برخاستیم.

حزب ما با چند ارگان معتبر خود مرکب از نشریه ماهانه، نشریه الکترونیکی حزب و سایت تلگرام به اضافه فیسبوک و چند وبلاگ مرتبط - که خوانندگان آنها روزانه رو به فزونی هستند - با انتشار اخبار مبارزات کلیه طبقات تحت ستم و سرکوب و اقشار جامعه به صورت مبسوط و لاینقطع از مبارزات آنها حمایت و دفاع می‌کند و به آیین ترتیب در بطن مبارزه قرار دارد. طبیعی است حزب با تحلیل و برداشت خود از شرایط مشخص به نتایجی مشخصی نیز رسیده و می‌رسد - و احتمال بروز اشتباه تاکتیکی در اینجا و آنجا هم منتفی نیست - که قطعاً مورد توافق خیلی‌ها هم قرار ندارد. مثلاً برای نمونه حزب ما مبارزه با سلطه آمریکا و ناتو را در الویت قرار داده و در عین حال با نگاه به شرق، پیوستن به جاده ابریشم، به سازمان‌های، سازمان تجاری اوراسیا و شاید در آینده پیوستن به بریکس و... موافق است. ولی به هیچ وجه امروز این ادعا را ندارد که رهبری جنبش را اکنون در دست دارد و همواره آماده پذیرفتن انتقادات و نیز آماده پیروی از اصل مارکسیستی انتقاد از خود است.

و یا اینکه ما علیرغم اینکه خیزش اخیر و مطالباتش را در آغاز برحق دانسته و دلایل بروز آن را در مجموعه فشارهای اجتماعی علیه کل جامعه بویژه زنان، بیکاری، بی‌آیندگی جوانان، دزدی، رانت‌خواری، تورم، گرانی و... ارزیابی کرده‌ایم، ولی در عین حال معتقدیم که غرب تمام دستگاه‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای خود را برای مصادره کردن این جنبش به کار انداخته و رهبری اعتراضات مردم را در دست گرفته است. خیزشی که فاقد چشم‌انداز سیاسی و رهبری انقلابی باشد فرجامی جز این نیست که شاهدش هستیم. علیرغم همه اینها ما معتقدیم که هنوز شرایط یک انقلاب اجتماعی واقعی - و نه مخملی با دخالت و احیاناً تجاوز نظامی بیگانه - فراهم نیست. بزرگتری دلیل شکست خیزش اخیر هم فقدان رهبری انقلابی، عدم شرکت وسیع کارگران، کارمندان و کسبه در حمایت از معترضین در کف خیابان است. این‌ها هستند اهم نظرات حزب. هر که بهتر می‌زند بستاند و بزند!



## مجله فکاهی «شارلی ابدو» ابزار دست امپریالیسم غرب و مبلغ اسلام هراسی است

مطلبی که از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد بحثی است از سوی یکی از فعالین حزب ما در عرصه مجازی با دوستانی که نظر مثبتی در مورد مجله فکاهی شارلی ابدو در برخورد با روحانیت ایران ارائه داده و به انتقاد از حزب ما پرداختند. پاسخ به این انتقاد را که به شکل مقاله زیر تنظیم شده است در زیر ملاحظه فرمائید:

اخیراً ویدئوئی سکسیستی، ضد زن و چندش آوری از مجله فکاهی و هفتگی «شارلی ابدو» در دنیای مجازی پخش شد که به‌دیده ما نه تنها توهین به میلیون‌ها زن ایرانی بود بلکه در عین حال آب به آسیاب رژیم مرتجع و زن ستیز آخوندی ریخت.

جا دارد که این ویدئو را برای کسانی که آن را ندیده و یا مشاهده کرده ولی به صحنه‌های آن دقت کافی مبذول نداشته‌اند را واکاوی کنیم.

۱- روی جلد ویدئو (قبل از شروع) کاریکاتور زنی لخت را نشان می‌دهد که لنگهای خود را باز کرده و آخوندی به تماشای درون آن نشسته است.

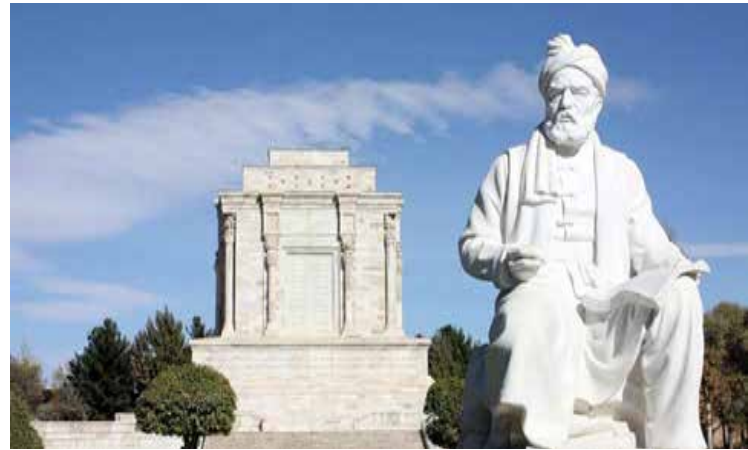
۲- ثانیه‌ی ۹ ویدئو کاریکاتور دو زن لخت را نشان می‌دهد که با سنگ به ملاحه می‌کنند.

۳- در ثانیه ۲۱ یک زن لخت چکمه‌پوش روی خامنه‌ای می‌شاهد.

۴- در ثانیه ۲۷ کاریکاتور زن لختی به نمایش گذاشته شده که وسط پرچم جمهوری اسلامی لنگش را باز کرده و روی آلت زنانه وی آرام جمهوری اسلامی را کشیده‌اند.

۵- در دقیقه ۱:۲۱ (زیر عمامه ساحل) چهار زن لخت روی عمامه لمیده‌اند.

به نمایش در آوردن این صحنه‌های مشمتر کننده، بر روی شعر زیبا و پر محتوای «لیبرته» شاید برای برخی مستهجن نباشد ولی به‌دیده ما نه تنها مستهجن هستند، نه تنها توهینی به زنان شیردل ایرانی محسوب می‌شوند بلکه هیچ قربانی هم با مقاومت و مبارزه دلاورانه و شجاعانه ۴ دهه آنان برای کسب حقوق خود، که با افتخار موفق به تحمیل لغو گشت ارشاد



## برگی از تاریخ

به مناسبت زاد روز فردوسی بزرگ

به مناسبت اول بهمن ماه ، روز بزرگ داشت فردوسی ،  
حماسه سرای بزرگ ایران و جهان

ابوالقاسم فردوسی توسی حدود سال ۳۳۰ هجری قمری برابر با ۳۲۰ خورشیدی و مصادف با سال ۹۴۱ میلادی در توس خراسان متولد شد. فردوسی بزرگ، در اوج قدرت حکومت سامانیان، دست به نظم شاهنامه زد. به عبارتی حدود ۱۸ سال پیش از قدرت گیری سلطان محمود غزنوی. بنا بر این مطلب که؛ فردوسی به دستور محمود غزنوی و به امید دریافت جایزه شاهنامه را به نظم در آورده، یکسره سخن پوچی است.

فردوسی بزرگ شاهکارش را به خاطر زنده کردن حماسه های ملی ایرانیان و زنده کردن زبان پارسی و مقاومت در برابر مهاجمان و بیگانگان سلطه گر به پایان برد.

سزاست که نقل قولی از کمونیست برجسته چون رفیق احمدقاسمی، در باره شاهنامه فردوسی آورده شود. نقل قول؛ «شاهنامه فقط وصف شاهان نیست بلکه در حقیقت وصف ملت ایران است. قهرمان اصلی شاهنامه شاهان نیستند بلکه رستم است که فقط زور و بازوی او مورد نظر نیست بلکه پاکدلی، انسان دوستی، ایران پرستی، بزرگ منشی، بلند نظری او صفات عالیه ایران باستان را مجسم می کند. در شاهنامه بزرگان ایران دارای شخصیت اند، دروغ نمی گویند، سرشکستگی بیار نمی آورند، فرمان بیداد گرانه ای را نمی پذیرند.» پایان نقل قول

پژوهنده گان ایرانی و خارجی، همچون سعید نفیسی، پروفیسور ریپکا، مرتضی راوندی، تاریخ نگار برجسته ایران و احسان طبری در مقاله «شمه ای در باره ی جنبش اسماعلیه»، فردوسی بزرگ را همچون ابن سینا، ابوریحان بیرونی، رودکی و ناصر خسرو، از متفکرین شیعه اسماعلیه خوانده اند و راوندی در کتابش «تحولات اجتماعی» می نویسد که؛ «فردوسی را به دلیل حمله ای که به تازیان متجاوز کرده بود، کافر شمرند و

از دفن او در قبرستان مسلمانان جلوگیری کردند.» اینکه فردوسی شیعه اسماعیلی بوده و یا اصولاً عقاید دیگری به غیر اسلام داشته، در حوصله این نوشتار نمی بینیم و فقط چند نکته را متذکر می شویم و در پایان به یک بیت از شاهنامه اشاره می کنیم:

۱- «عطار» در کتاب «اسرارنامه»، از زبان شیخ ابوالقاسم کرکانی، می گوید؛ که فردوسی در مدح گبرکان می گفت.

۲- ناصر خسرو، که پیرو شیعه اسماعیلی بود، به توس می رود و قبر فردوسی را می بیند ولی ابدا اشاره ای به «شیعه اسماعیلیه» بودن فردوسی نمی کند.

۳- «حسنک وزیر» با اینکه شیعه بود ولی در قبرستان مسلمانان دفن شد.

۴- امام هشتم شیعیان، ۲۰۰ سال پیش از فردوسی در گذشت، در تمام سروده های فردوسی، یک بیت هم در وصف او نیست.

۵- در شاهنامه ابیاتی در وصف امام اول شیعیان آمده که هر که «علی» را قبول ندارد، خوارتر از او در جهان نیست. اینگونه ابیات توسط نساخان شیعه به شاهنامه اضافه شده که معقولند. مضافاً اینکه اگر به اشعار فردوسی در «گفتار در آفرینش جهان و مردم» دقت شود، خواننده متوجه خواهد شد که خلقت جهان از دید او، یکسره بر خلاف آموزه های ادیان ابراهیمی است!

حال ببینیم آیا صرف حمله به تازیان حکم کافری دارد؟! کافر به زبان پارسی یعنی ناسپاس. و بی دین و بی ایمان به اسلام هم معنی شده است.

از دید روحانیان مسلمان، چهار نوع کافر وجود دارد. کافر حربی یعنی کسانی که اهل کتاب نبوده و در جنگ با مسلمانانند. کافر ذمی یعنی غیر مسلمانانی که در پناه اسلام هر ساله «جزیه» می پردازند. کافر کتابی یعنی کافرانی که از پیروان پیغمبران دیگر ادیان، مثل یهودی، مسیحی و زرتشتی هستند. و کافر غیر کتابی هم به معنی مشرک و بت پرست.

اگر فردوسی بزرگ «شیعه» بوده، هیچکدام از چهار نوع کافری فوق شامل ایشان نمی شده تا روحانیون حکم کافری بدو دهند و اجازه دفن در گورستان مسلمانان به وی ندهند! چنانچه گفتیم، صرف گفتن اشعاری چنین، آنهم از زبان «یزدگرد» علیه تازیان حکم کافری ندارد. «از این مارخوار اهرمن چهرگان -- ز دانایی و شرم بی بهره گان -- از این زاغ ساران بی آب و رنگ -- نه هوش و نه دانش نه نام و نه ننگ -- پراکنده گردد بدی در جهان -- گزند آشکارا و خوبی نهران.»

شاهنامه، شاهکار حماسه فردوسی بزرگ، در چهارده نسخه وجود دارد. اولین شاهنامه ۲۵۰ سال پس از درگذشت فردوسی قدمت دارد و دارای ۶۰ هزار بیت است. در سروده های فردوسی، ۱۰۰۰ بار واژه ی یزدان، ۵۰۰ بار واژه ی خداوند، ۱۷۰ مرتبه خدا، ۷۰ بار دادار آمده و حتی یک بار هم کلمه «الله» نیامده است. واژه های مومن و کافر مطلقاً در شاهنامه

دیده نمی‌شوند و حدوداً ۴۰۰ کلمه عربی نیز در آن وجود دارد. نتیجه اینکه؛ ریشه «کفر» این انسان والا را باید در جای دیگری جستجو نمود!!

«خردمند کاین داستان بشنود - به‌دانش گراید به‌دین نگرود.» در پایان مجدداً تأکید می‌کنیم که فردوسی، سراینده شاهنامه، مردی است حکیم، ایراندوست، دادجو، بلندنظر، سلیم‌النفس، معتقد به عقل و دانش و استوار در شهامت و راستی و عدالت.

بر این پایه است که در شاهنامه قهرمان اصلی او «رستم» است که وطن‌دوستی و بزرگ‌منشی و انسان‌دوستی ایرانیان باستان را مجسم می‌کند. ایرانیانی که دارای شخصیت‌اند، دروغ نمی‌گویند و فرمان بیداد‌گرانه را تاب نمی‌آورند! در این راستا به دو نمونه اشاره می‌کنیم.

هنگامی که کاووس شاه بارستم به‌درستی سخن می‌گوید، رستم سر تسلیم فرود نمی‌آورد و از زبان فردوسی خطاب به کاووس می‌گوید:

«تهمت‌ن بر آشف‌ت با شهریار  
که چندین مدار آتش اندر کنار  
همه کارت از یک‌دگر بدتر است  
ترا شهریاری نه اندر خور است  
چنین تاج بر تارک بی‌بها  
بسی بهتر اندر دم ازدها  
من آن رستم زال نام آورم  
که از چون تو شه‌خم نگیرد سرم  
تواند جهان خود زمن زنده‌ای  
به‌کینه چرا دل پراکنده‌ای  
چو خشم آورم شاه کاووس کیست  
چرا دست یازد به‌من توس کیست  
چرا دارم از خشم کاووس باک  
چه کاووس پیشم چه یک مشت خاک».

فردوسی توسطی در جای دیگر از مقاومت رستم در مقابل زیاده‌خواهی و تکبر «اسفندیار» که می‌خواست رستم را تسلیم کرده و دست بسته به دربار پدرش «گشتاسب» ببرد چنین می‌سراید:

«زمین راهمه سر به سر گشته‌ام  
بسی شاه بیدادگر کشته‌ام  
نیاکانت را پادشاهی زماست  
و گر نه کسی نام ایشان نخواست  
من از کودکی تا شدستم کهن  
بدین گونه از کس نبردم سخن  
که گوید برو دست رستم ببند  
نبندد مرا دست چرخ بلند  
مرا سرنهان گرشود زیر سنگ  
از آن به که نامم برآید به‌ننگ»\*

## سخنی کوتاه در مورد استعمار انگلیس و عمال آن در ایران

قدرت امپراتوری استعماری «بریتانیای کبیر»، حدوداً از قرن ۱۷ میلادی شروع و تا اوایل قرن بیستم ادامه داشت. در تمام این سال‌ها تنها ابرقدرت جهان بود که وسعت مستعمراتش از غرب تا شرق کره زمین به ۳۳ میلیون کیلومتر مربع می‌رسید. از ابتدای سال ۱۸۰۰ میلادی تا سال ۱۹۴۷ هندوستان بزرگترین و ثروتمندترین مستعمره انگلستان شد!

در سال ۱۹۰۱ میلادی به موجب قرارداد «داری» استخراج و فروش نفت در جنوب ایران در اختیار بریتانیا قرار گرفت! در اکتبر سال ۱۹۱۷ و در پی انقلاب بلشویکی تحت رهبری «لنین» کبیر که برای اولین بار در جهان کارگران و زحمتکشان در روسیه تزاری قدرت سیاسی رابه دست گرفتند، در دل استعمارگران انگلیسی آنچنان بیم و هراسی درافتاد که در پی چاره‌اندیشی و جلوگیری از نفوذ و گسترش افکار و اندیشه‌های سوسیالیستی و ضد استعماری ناشی از انقلاب اکتبر، در ایران و هندوستان برآمدند! برای این اساس دولتمردان انگلیسی برای حفظ و تداوم اهداف استعماری خویش، خصوصاً برای محافظت از چاه‌های نفت در ایران، اول؛ به فکر استقرار یک حکومت «مقتدر» و ضد کمونیستی در ایران افتادند که این مهم طی کودتای انگلیسی ۱۲۹۹ خورشیدی، برابر با ۱۹۲۰ میلادی و روی کار آمدن رضاخان محقق شد و دوم؛ نیاز به اطلاعات

لازم را به عمل آورد. به عنوان نمونه می‌توان از ارتشبد حسین فردوست، اسداله علم، حسنعلی منصور، ارتشبد ازهار، سرلشگر فضل اله زاهدی، آیت‌اله کاشانی، پرویز خوانساری، پرویز ثابتی، برادران رشیدیان، جمشید آموزگار، اردشیرزاهدی و ده‌ها و بلکه صدها مورد دیگر نام برد که مشترکاً هم برای ام‌آی‌سیکس وهم برای سازمان اطلاعات و امنیت آمریکا «سیا» فعالیت و جاسوسی می‌کردند. اگرچه در اثر انقلاب ۵۷ بساط امپریالیسم آمریکاباده‌ها هزارمستشارش از ایران برچیده شد اما عوامل انگلیس و آمریکا، بویژه انگلستان، درنهمان و گاه آشکار، به کارشان ادامه دادند و در تضاد بین آندو، این انگلیسی‌ها بودند که در نفوذ در حاکمیت رژیم ملاًها، دست بالارا داشتند!

به جرات می‌توان گفت که اگر در زمان پهلوی اول، ده‌ها جاسوس و عمال بیگانه در جهت منافع انگلیس فعالیت داشتند، در دوره پهلوی دوم صدها، بلکه هزاران مامور و جاسوس «هزارفامیل» از دربار گرفته تا عوامل «سیا، موساد و ساواک» در تحکیم رژیم کودتا و غارت ثروت ملی و سرسپردگی رژیم به بیگانگان روز و شب در تکاپو بودند. به عبارت دیگر، سرنوشت ایران، از اواخر قاجاریه و در تمام مدت ۵۳ سال حاکمیت رژیم پهلوی، در دست عمال بیگانه و خائنین به وطن بوده است! امروزه در جمهوری سرمایه داری اسلامی ایران، در اثر سیاستهای بغایت مخرب، ارتجاعی و ظلم و بیداد فراوان و فساد و دزدیهای نجومی، سرکوب و کشتار هزاران نفر، شکاف‌های درون جناحی، نهوذ کانالهای ماهواره‌ای، رسانه‌های ایرانی مزدور در خارج از ایران، صدها روزنامه‌های «اصلاح طلب» درون کشور زمینه جاسوسی و آسیب پذیری ایران بیش از هر زمان فراهم است. در نتیجه مبارزه علیه عوامل خارجی و جاسوسان امپریالیسم و دشمنان رنگارنگ بدون اتکا به توده میلیونی مردم و بهبود شرایط زندگی آنها، رفع نارضای‌ها و ایجاد رابطه سالم و اعتماد «دولت ملت»، به ثمر نمی‌نشیند. خروج چندین کامیون اسناد محرمانه هسته‌ای از ایران مبین آن است که دانه درشت‌های جاسوس اجنبی تا بالاترین دستگا دولتی و امنیتی نفوذ کرده‌اند و از قضا پایانی بر آن متصور نیست.

«گر ز ظلمت شب تیره شد زمانه ما  
به ناله ناله نشد آشنا ترانه ما  
ز «آشیانه خونین» همیشه می‌خوانیم  
که تا سپیده زنده سر ز آشیانه ما.»\*

دقیق و همه جانبه شبکه‌های جاسوسی گسترده پیدا کرد که در این کار، یعنی جلب حمایت و وفاداری سران ایلات، عشایر، خوانین و افراد و خانواده‌های منتفد، چه از طریق تطمیع و چه با تهدید، بسیار موفق عمل کرد. لازم است گفته شود که چنین سیاست و برنامه اطلاعاتی و جاسوسی در تمام سالهای حکومت پهلوی‌ها و حتی جمهوری اسلامی ایران، به مصداق؛ «زیر ریش آخوندها Made in England» نوشته شده، آشکار و پنهان ادامه داشته و دارد!

به چند نمونه اشاره می‌کنیم. در خوزستان «شیخ خزعل» حافظ منافع انگلستان بود که پس از قدرت گیری رضاخان بساطش برچیده شد و حفاظت از نفت جنوب به رضاخان محول شد.

درفارس خاندان «قوم الملک شیرازی» که پسرش «علی قوام» به دامادی رضاخان در آمده بود همواره برای منافع انگلیسی‌ها فعالیت می‌کردند.

در خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان، «شوکت الملک علم»، پدراسداله علم، رابط و مامور رسمی دولت انگلیس با رضاخان بود.

در گیلان خانواده «خان اکبر» از اواخر قاجاریه با انگلیسی‌ها رابطه نزدیک داشتند. از این خانواده «فتح اله اکبر» (سپه‌دار رشتی) رئیس «الوزراء» شد و «میرزا کریم خان رشتی» مهم‌ترین واسط میان رضاخان و سفارت انگلیس گردید.

در اصفهان هم «صارم الدوله» که شخص بسیار ثروتمند و پرنفوذی بود، مامور رسمی انگلیسی‌ها در زمان رضاخان بود که اختیارات تام در آن خطه داشت.

بنابه گفته «ارتشبد حسین فردوست»، یکی از برجسته‌ترین و موثرترین و پرنفوذترین چهره سیاسی - اطلاعاتی رژیم پهلوی، در جلد اول کتاب «خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست»: «انگلیسی‌ها بسیار پیش از صعود رضا(خان) به سلطنت، در طبقات بالای ایران نفوذ عمیق داشتند»!

از بعد از جنگ جهانی دوم که امپریالیسم انگلستان بسیار ضعیف شده بود، آمریکایی‌ها به تدریج جای انگلستان در صحنه سیاسی ایران و جهان را گرفتند و چاره‌ای برای انگلیس جز همکاری با امپریالیسم قدرتمند آمریکا باقی نماند. اگرچه پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرنوشتی دولت ملی محمد مصدق، آمریکا امپریالیسم برتر در ایران شد اما دولت انگلیس در تحکیم مواضع و منافع آمریکا نقش بسیار مهمی ایفا کرد و همواره شریک در برنامه و سیاستهای استعماری آمریکا در غارت ثروت‌های ملی ایران بود و در این راه بیشتر عوامل و شبکه‌های جاسوسی خود را به آمریکایی‌ها معرفی و همکاریهای



## گزارش تکان دهنده سازمان «آکسفام» از افزایش شکاف طبقاتی و نابرابر ثروت در جهان

هر ۱۱ دقیقه یک نفر در جهان از گرسنگی جان می‌بازد.

آکسفام که ظاهراً بنیادی برای ریشه کن کردن فقر، گرسنگی و بی‌عدالتی است در گزارش جدید خود آمار تکان دهنده‌ای از نابرابری توزیع ثروت و فقر در جهان منتشر کرده است.

سازمان آکسفام در تحقیقاتش به این نتیجه دست یافته است که شرکت‌های بزرگ و ابرثروتمندان از پاندمی کرونا و بحران انرژی بیش‌ترین منفعت را برده‌اند. در این گزارش تحت نام «بقای ثروتمندان» که روز دوشنبه همزمان با آغاز همایش سالانه داووس منتشر شد، آمده است که یک درصد ثروتمندترین جمعیت جهان از زمان شروع پاندمی کرونا به بعد حدود دوسوم رشد ثروت جهانی را به خود اختصاص داده‌اند. به گزارش این سازمان منتقد سرمایه داری، این روند در آلمان حتی آشکارتر است. یعنی ۸۱ درصد رشد مجموعه ثروت حاصل شده در میان سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ در آلمان، متعلق به یک درصد ابرثروتمندان بوده است. مجموع دارایی‌های تمامی میلیاردرهای جهان از سال ۲۰۲۰ روزانه به طور میانگین حدود ۲.۷ میلیارد دلار افزایش داشته است. یعنی در برابر افزایش هر دلار در درآمد سرانه ۹۰ درصد فقیرترین جمعیت‌های جهان، یک میلیاردر به طور متوسط ۱.۷ میلیون دلار کسب کرده است.

بر اساس گزارش آکسفام دست کم ۱.۷ میلیارد کارگر در کشورهای زندگی می‌کنند که در آن‌ها میزان تورم یا گرانی نسبت به افزایش معیشت بیشتر است. حدود یک دهم انسان‌های روی زمین یعنی تقریباً ۸۲۸ میلیون نفر از گرسنگی رنج می‌برند. ۶۰ درصد انسان‌های فقیر جهان زنان و دختران هستند.

فقر و گرسنگی، افزایش شکاف طبقاتی و تبعیض مولود نظام سرمایه داری است. در نشست‌های میلیاردرهای جهانی کلامی از علل بروز اینهمه فقر و گرسنگی نمی‌رود زیرا خودشان عامل اصلی این نابرابری تکاندهنده هستند.

برای یک دنیای امن، آرام و برابر نیاز به جامعه‌ای نوین است جامعه‌ای که نظام سرمایه‌داری و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید برافتد و سوسیالیسم مستقر گردد. راه دیگری برای رهایی از ظلم، ستم و استثمار متصور نیست.\*

## اسنادی در افشای منابع مالی خاندان دزد پهلوی

دروغ‌های رضا پهلوی:

«۶۲ میلیون دلار دارایی ماست»

مصاحبه با صدای آمریکا

از چپ: فریده دیبا، یاسمین اعتماد امینی، احمد علی مسعود انصاری، رضا پهلوی، علیرضا پهلوی و فرح روزنامه «نیویورک تایمز» اندک زمانی پس از سقوط رژیم شاه در فوریه ۱۹۷۹ خبر داد که براساس لیست تهیه شده به‌وسیله مخالفان رژیم، خانواده پهلوی در ایران هفده کمپانی بیمه، ۲۵ کارخانه فلزکاری، هشت کمپانی مربوط به امور معدنی، ده کارخانه سازنده مواد ساختمانی، ۴۷ شرکت خدمات عمومی، ۴۳ کارخانه سازنده مواد غذایی، و ۲۶ فقره سرمایه‌گذاریهای مختلف بازرگانی را تصاحب دارند. ثروت شخصی شاه یک میلیارد دلار تخمین زده می‌شد، بانکداران امریکایی بخش اعظم دو تا چهار هزار میلیون دلار پولی که طی سالهای ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ به آمریکا انتقال یافته بود، از آن خانواده سلطنتی می‌دانستند. خانواده پهلوی هفتاد درصد سهام کلیه هتل‌های موجود در ایران را در اختیار داشتند.

بنیاد پهلوی در بانک توسعه صنعت و معدنی ایران، شرکت خودرو سازی ایران ناسیونال، کارخانه‌های آزمایش و شرکت فروشگاه‌های بزرگ کوروش صاحب سهام عمده بود. شمس پهلوی در دهه ۱۳۵۰، ۲۵ میلیون دلار خرج خرید تپه‌ای در لس آنجلس کرد و در آنجا ویلای باشکوهی ساخت. اشرف پهلوی بنا به نوشته روزنامه «دیلی میل» زمینی به مساحت ۱۶۰ جریب در «بورلی هیلز» خریداری کرد و خیال داشت یک خانه ۷/۷ میلیون پوندی به مساحت سه هکتار برای خود بسازد که قرار بود در نزدیک آن دریاچه‌ای به مبلغ ۵/۲ میلیون لیره و جاده پر درختی به طول دو مایل احداث شود. مجله اشپیکل چاپ آلمان در یک مصاحبه از زبان شاه ادعا کرد که او ۲۴ میلیارد دلار ثروت از ایران خارج کرده است.

احمد علی انصاری، پسرخاله فرح پهلوی، از همراهان شاه هنگام فرار از ایران و مشاور سابق رضا پهلوی در مصاحبه با رجانیوز ۱۸ بهمن ۱۴۰۰: «ثروت شاه شامل چهار بخش بود که فقط در بخش سرمایه‌گذاری‌های خارجی بین ۲۰ تا ۲۲ میلیارد دلار بود. این منهای پول‌های نقد، املاک خارجی و صندوق‌های جواهرات بود.»\*

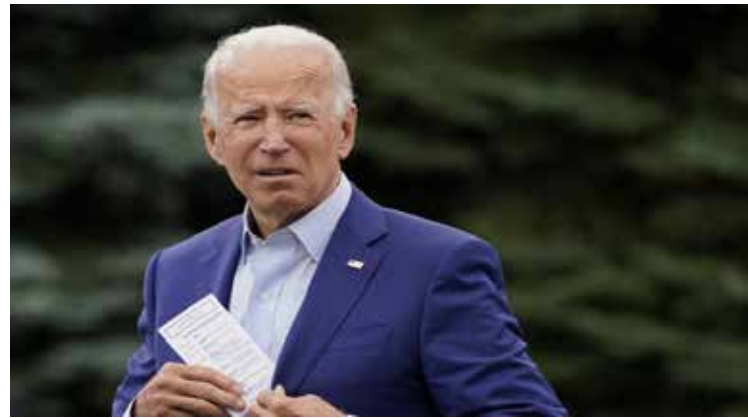
را آواره وطن کردند! در سال ۲۰۱۱ ایالات متحده آمریکا با همکاری متحدان منطقه‌ای‌اش، جنگ نیابتی خانمانسوزی علیه سوریه راه انداخت که هنوز هم مردم بیگناه قربانی می‌شوند! در سال ۲۰۱۴ آمریکا با کودتا و با هزینه ۵ میلیارد دلار نیروهای «نئونازی» را در اوکراین به قدرت رسانید. هدف از این کار ابتدا قتل عام روس تبارهای شرق اوکراین بود که انجام شد و در ادامه، اوکراین، سکویی شود برای آمریکا و «ناتو» جهت محاصره روسیه و حمله نظامی و تجزیه کشور پهناور روسیه! در تمام این سالها آمریکا علیه ۴۰ کشور تحریمهای یک‌جانبه اعمال کرد که باعث مرگ و رنج و اندوه صدها هزار انسان گردید!

با توجه به نکات بالا می‌بینیم که سیاست خارجی امپریالیسم آمریکا رو به سمت «لاشه و استخوان» دارد و لذا آهو نیست بلکه گرگ است!!

در ادامه مقاله خوب است اشاره‌ای هم به وضعیت زیر ساختهای داخلی آمریکا داشته باشیم.

در گزارش ۱۷۰ صفحه‌ای «انجمن مهندسان شهری آمریکا»، در سال ۲۰۲۱ آمده است؛ که بیش از ۱۶۰ هزار پُل در ایالات متحده بدلیل فرسودگی در معرض خطر سقوط قرار دارد. جاده‌ها، خطوط ریلی، سامانه حمل و نقل، سدها، لوله‌های انتقال آب و فاضلاب که از ابتدای قرن بیستم تا اواسط قرن بیستم ساخته شده‌اند، در اثر گذشت زمان، دچار فرسودگی گشته و احتیاج به تعمیرات و بازسازی دارند. در ۲۸ ژانویه ۲۰۲۲ شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان گزارش داد که در ساعت شش صبح به وقت محلی، پُلی در شهر پیتسبورگ در ایالت پنسیلوانیا، قبل از سفر جوبایدن به این شهر، سقوط کرد و باعث نشت گاز شد! در گزارش انجمن مهندسان شهری آمده که روزانه ۸۵۰ شاه لوله‌های آب در آمریکا می‌ترکند و دو میلیون آمریکایی به آب لوله کشی و فاضلاب دسترسی ندارند. سیستم برق رسانی در آمریکا برعکس بعضی از کشورهای پیشرفته اروپایی و آسیایی که از کابل کشی برق در زیر زمین بهره گرفته‌اند، از کابل‌های برق هوایی و بر روی تیر برق‌ها استفاده می‌شود که در اثر باد، طوفان، بارندگی شدید و یا بارش برف سنگین، سبب قطعی برق میلیون‌ها خانوار در آمریکا می‌شود. فقط در سال ۲۰۱۷ میلادی ۳۶ میلیون خانوار تحت تاثیر قطعی برق قرار داشتند. انجمن مهندسان ارتش آمریکا اعلام کرده است که برای تعمیرات و بازسازی زیر ساختهای قدیمی و فرسوده مبلغ ۶/۴ تریلیون دلار بودجه لازم است! دولتمردان کاخ سفید بنا بر ماهیت جنگ افروزان‌شان و برای تسلط بر جهان هر ساله میلیاردها دلار بودجه نظامی را افزایش می‌دهند ولی به بودجه‌های عمومی، رفاهی، خدماتی و بازسازی زیر ساختهای کشور، چون سودی در آن نمی‌بینند، توجهی نشان نمی‌دهند. می‌بینیم که حاکمیت آمریکا در سیاست داخلی هم همواره رو به سوی «لاشه و استخوان» دارد!

**به گفته «لنین»: تمامی تاریخ سرمایه، تاریخ ستمگری و غارت و تاریخ خون و دناست است.\***



## اعلام بودجه ۱.۷ تریلیون دلاری آمریکا

جوبایدن، رئیس‌جمهور آمریکا بودجه‌ای حدود ۱.۷ تریلیون دلار برای سال ۲۰۲۳ میلادی امضا کرده است. این بودجه شامل تخصیص ۴۴.۹ میلیارد دلار به «کی‌یف» است.

بیشتر وجوه، حدود ۸۵۸ میلیارد دلار، صرف هزینه‌های دفاعی خواهد شد. بیش از ۳۰۰ میلیون دلار برای «مقابله با نفوذ روسیه» اختصاص داده شده است. علاوه بر این، این بودجه شامل اصلاحیه‌ای است که اجازه می‌دهد تا دارایی‌های ضبط شده تجار روسی را به نفع اوکراین مصادره کنند! مولوی در «مجالس سبعه» یا «هفت خطابه» می‌گوید:

«هر حیوان که از دور دیدی و ندانستی سگ و گرگ است یا آهو، بین رو به سمت مرغزار و سبزینه است یا لاشه و استخوان؟! آدمی را نیز نشناسی، بین به کدام سو می‌رود.!! برای شناخت ماهیت هیئت حاکمه ایالات متحده آمریکا، چه دموکرات چه جمهوریخواه، به گفته «مولوی» بینم دولتمردان آمریکایی با تصویب بودجه ۷/۱ تریلیون دلاری، رو به سوی «مرغزار و سبزینه» دارند یا به سوی «لاشه و استخوان»؟! در پاسخ به این پرسش به چند نمونه از سیاستهای خارجی آمریکا در ۲۴ سال اخیر اشاره می‌کنیم و در پایان هم نگاهی مختصر به اوضاع داخلی‌اش می‌اندازیم. در سال ۱۹۹۸ امپریالیسم آمریکا به کمک «ناتو» به مدت ۷۸ روز و با ۲۸۰۰۰ بمب به کشور یوگسلاوی حمله نظامی کرد و آنرا به شش کشور کوچک تجزیه نمود! در سال ۲۰۰۱ آمریکا به بهانه «۱۱ سپتامبر» هفت کشور را با قلدری تمام، به منظور تغییر رژیم، مورد هدف قرار داد و با همراهی کشورهای عضو «ناتو» افغانستان را اشغال نظامی کرد! در سال ۲۰۰۳ آمریکا با همراهی هم پیمانانش، عراق را به دروغ متهم به داشتن سلاح کشتار جمعی نمود و با بمباران سفره‌ای ظرف سه هفته عراق را به ویرانه بدل کرد و میلیون‌ها انسان بیگناه را قتل‌عام و آواره و بی‌خانمان نمود! در سال ۲۰۱۱ آمریکا و انگلیس و فرانسه بدون موافقت شورای امنیت سازمان ملل به کشور لیبی حمله و ضمن کشتن معمر قذافی خلق لیبی



## تلاش غرب برای جلوگیری از شکست نهایی در اوکراین در آستانه آغاز دومین سال نبرد روسیه علیه جنگ تحمیلی ناتو

کریمه را اشغال کند! حالا کشورهای اروپایی و آمریکا در یک کمک تسلیحاتی خیرخواهانه گفتند که میلیاردها دلار تجهیزات جدید را روانه اوکراین خواهند کرد! شامگاه پنجشنبه بود که دولت آمریکا اعلام کرد جدیدترین بسته تسلیحاتی به مبلغ دو و نیم میلیارد دلار (تقریباً یک چهارم بودجه نظامی ایران) را برای کمک به عناصر ناتو اوکراین خواهد فرستاد. وزیر امور خارجه آمریکا همزمان با اعلام قیمت دلاری این بسته کمک‌های خیرخواهانه از ارسال صدها دستگاه خودروی زرهی از نوع استریکر به اوکراین خبر داده بود تا شاید دروغ‌ها و بلوف‌های زلنسکی در مورد حمله به شبه جزیره کریمه درست از آب در بیاید.

**سوم:** از سوی دیگر گروهی متشکل از ۹ کشور از جمله انگلیس، لهستان و هلند متعهد به پیگیری «مجموعه‌ای بی‌سابقه از کمک‌های اهدایی» تسلیحاتی به اوکراین شامل تانک‌های پیشرفته شده‌اند. در این بیانیه که به صورت مشترک از سوی این کشورها منتشر شد، آمده است: «ما متعهد می‌شویم به این که به صورت گروهی تحویل مجموعه‌ای بی‌سابقه از کمک‌های اهدایی برای ارتش اوکراین شامل تانک‌های اصلی میدان نبرد، ادوات توپخانه سنگین، مهمات ضد هوایی و خودروهای رزمی مخصوص پیاده نظام را پیگیری کنیم.»

**چهارم:** این بیانیه که در وبسایت دولت انگلیس انعکاس

**یکم:** شکست ارتش ظفرمند زلنسکی و مزدوران چندملیتی ناتو در برابر ارتش روسیه در طول چند ماه گذشته با وجود کمک‌های بی‌سابقه و غیرقابل باور غرب باعث شده تا در آستانه دومین سال شروع نبرد سرنوشت‌ساز قرن، کشورهای غربی به ویژه آن‌هایی که دشمنی و کینه بیشتری نسبت به روس‌ها دارند تلاش کنند تا سیل جدیدی از تسلیحات و تجهیزات را روانه اوکراین کنند، شاید این تسلیحات و تجهیزات جدید بتواند بهانه‌های رئیس‌جمهور مفنگی این کشور را بریده و کورسوی امیدی برای متعادل کردن میدان نبرد ایجاد کند. نبردی که در یازدهمین ماه خود با وجود هجمه سیاسی، اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی غرب باعث عقب راندن ارتش روسیه نشده است.

**دوم:** حقیقت آن است که زلنسکی چندی پیش مدعی شده بود که اگر ۳۰۰ دستگاه تانک در اختیار داشته باشد، می‌تواند





## اوراسیا را بشناسیم

امروزه جغرافی دانان خشکی‌های زمین را به هفت قسمت و یاهفت قاره تقسیم می‌کنند که از بزرگ به کوچک عبارتند از: آسیا، آفریقا، آمریکای شمالی، آمریکای جنوبی، جنوبگان، اروپا و اقیانوسیه معروف به استرالیا. در سال‌های اخیر در دانش جغرافیا و علوم سیاسی، دوقاره بدون مرز مشترک آسیا و اروپا را «اوراسیا» نام گذاری می‌کنند.

این دوقاره چنان بهم چسبیده اند که جغرافی دانان، رشته کوه‌های قفقاز و اورال بطول ۲۴۰۰ کیلومتر، را مرز فرضی بین این دوقاره در نظر گرفته اند. مساحت اوراسیا ۵۵ میلیون کیلومتر مربع و جمعیتی حدود پنج میلیارد نفر دارد که هفتاد درصد جمعیت جهان را شامل می‌شود. این قاره عظیم از اقیانوس آرام در شرق شروع و به اقیانوس اطلس (آتلانتیک شمالی) در غرب منتهی می‌گردد.

۹۳ کشور از ۱۹۶ کشور جهان در اوراسیا قرار دارند.

خود قاره آسیا کهن‌ترین، وسیع‌ترین و پرجمعیت‌ترین قاره جهان است که تمدن‌های چندین هزار ساله و بزرگی مانند تمدن‌های چینی، هندی، ایرانی، میان دو رودی (بین‌النهرین) و وِرای رود (ماوراالنهر) در آن شکل گرفته اند. ۴۸ کشور مختلف در قاره آسیا قرار دارند که کوچکترین آنها کشور «مالدیو» است که ۱۸۶ کیلومتر مربع مساحت دارد و پهناورترین کشور آسیا و جهان کشور روسیه است که بیش از ۲۰ میلیون کیلومتر مربع وسعت دارد.

کشورهای اروپایی «تمدن» و در راس آنها ایالات متحده آمریکا که در گذشته و حال از طریق جنگ، کشتار، غارت و چپاول کشورهای آفریقایی و آمریکای جنوبی و آسیا ثروتمند و قدرتمند شدند، بنابر ماهیت تجاوزکارانه‌شان، همواره چشم طمع به قاره آسیا و بویژه روسیه، چین، ایران و غیره و به ثروت‌های بیکران آن داشتند و هنوز هم دارند.

زمانی سوئدی‌ها، سپس فرانسویان زمان ناپلئون و بعدتر آلمان هیتلری و اخیراً تمامی کشورهای «ناتویی» به رهبری آمریکا، با هجوم گسترده و با پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی و با تحریم‌های همه جانبه، از طریق کشور فاشیست زده «اوکراین» در پی شکست و تجزیه و تسلط بر کشور روسیه بودند و هستند.

چنین سیاست تجاوزکارانه و سلطه بر جهان را در آینده، در صورت شکست روسیه، برای چین و ایران نیز در برنامه خود دارند! اما نمی‌دانند که کشورهای مستقل و ملت‌های متحد و میهن دوست رانمی‌توان به زانو درآورد مگر با سیاست تفرقه افکنانه و یا با تکیه بر مزدوران و اجنبی پرستان و به کمک خائنین به کشور و به ملت!

پیدا کرد، به شکل مشترک از سوی وزرای دفاع انگلیس، استونی، لهستان، لتونی و لیتوانی به همراه نمایندگان دانمارک، جمهوری چک، هلند و اسلواکی بعد از نشست آن‌ها در استونی منتشر شد.

خبرگزاری فرانسه نیز گزارش کرد، سوئد روز پنجشنبه به ارسال توپخانه هویتزر تحت عنوان توپخانه «آرچر» که ماه‌ها مورد درخواست اوکراین بوده، به همراه موشک‌های ضدتانک و خودروهای زرهی دیگر برای کی‌یف متعهد شده است.

**پنجم:** اولف کریسترسون، نخست وزیر سوئد در یک کنفرانس خبری گفت، دولتش با یک بسته سه بخشی کمک‌های نظامی برای اوکراین موافقت کرده و این بسته شامل «تصمیم برای نخستین بار به منظور شروع کردن تحویل سیستم توپخانه آرچر به اوکراین» می‌شود. دولت سوئد که با کمک‌های تسلیحات به اوکراین دکتترین خودش برای عدم تحویل سلاح به یک کشور درگیر در جنگ را نقض کرده همچنین اعلام کرد، تصمیم دارد ۵۰ خودروی زرهی CV-۹۰ و موشک‌های ضدتانک قابل حمل NLAW را هم برای اوکراین بفرستد.

**ششم:** کریسترسون ادعا کرد: «این حمایت نظامی قاطع است و می‌تواند در جبهه جنگ در اوکراین وضعیت را در خصوص اینکه چه کسی ابتکار عمل را در زمستان جاری به دست بگیرد تغییر دهد.» بر اساس این گزارش، تصمیم روز پنجشنبه دولت سوئد به این معنی است که حالا نیروهای مسلح سوئد این وظیفه را پیدا می‌کنند که «دست به تدارکات برای شروع تحویل سلاح توپخانه‌ای آرچر به اوکراین بزنند.» پل جانسون، وزیر دفاع سوئد بیان کرد، دولتش از ارتش سوئد خواسته توصیه خود درباره اینکه امکان ارسال چه تعداد از سلاح‌های توپخانه ای آرچر موجود در انبارهایش وجود دارد را ارائه کند.

**هفتم:** انگلیس نیز اعلام کرد، ۶۰۰ تیر موشک بریمستون را برای اوکراین می‌فرستد. بن‌الاس، وزیر جنگ انگلیس روز پنجشنبه به خبرنگاران در محل پایگاه نظامی تاپا در استونی گفت: «امروز من می‌توانم بگویم ما قصد ارسال ۶۰۰ عدد موشک بریمستون دیگر را داریم که برای کمک به تسلط اوکراین بر میدان جنگ فوق العاده مهم خواهند بود.» (سریع قبر انگلیسی‌ها صدها تیر موشک آن را طراحی و اجرا کردند اما کسی هیچ نشانی از اثرگذاری آن‌ها در میدان نبرد ندید ولی به نظر می‌رسد اثرش در جیب سیاستمداران غربی خوب پیدا می‌شود) دانمارک نیز اعلام کرد، ۱۹ قبضه توپخانه هویتزر فرانسوی «سزار» ارتش خود را به اوکراین می‌دهد. / کانال اخبار سوریه\*

«در آخر هفته دوم ژانویه ۱۹۱۹، رزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنشت توسط فاشیست فریکورپس به قتل رسیدند. اهمیت بزرگ داشت این دوره‌ی بزرگ جنبش کارگری پس از گذشت ۱۰۰ سال چیست؟»

مبارزه روزا و کارل هنوز برای ما مهم است، زیرا: در کشور ما هنوز همان سیستمی برقرار است و ما با آن می‌جنگیم. بحران‌های اقتصادی، فقر، فاشیسم، جنگ، درست مانند دوران رزا و کارل وجود دارند. بنابراین بزرگداشت آن‌ها به معنای انجام مبارزات خود و الهام و آموختن از آن‌ها است. زیرا آن‌ها در آن زمان پاسخ‌هایی داشتند که هنوز هم به ما مربوط است. آنها علیه بحران و فقر کارگران مبارزه کردند، زیرا می‌دانستند که در جامعه طبقاتی همیشه عده‌ی قلیلی هستند که از کار توده‌ها سود می‌برند. رزا و کارل پیوسته برای اعلام مبارزه مداوم علیه استثمارگران، به ویژه در مواقع بحرانی مانند جنگ جهانی اول، ایستادند. آنها چه قبل از جنگ جهانی اول و چه در طول جنگ جهانی اول علیه سیاست جنگی آلمان جنگیدند، زیرا می‌دانستند که قربانیان این سیاست همیشه زحمتکشان از هر طرف هستند. سخنانی که کارل لیبکنشت در برابر اعتبارات جنگی علیه حزب خود در رایشتاگ ایراد کرد، می‌تواند در مورد وضعیت کنونی نیز اطلاق شود:

«این جنگ، که هیچ یک از مردم درگیر آن را نمی‌خواستند، برای رفاه ملت آلمان نبود و نیست. مردم بهوش باشید این یک جنگ امپریالیستی است، جنگی برای تسلط سرمایه داری بر بازار جهانی، برای تسلط سیاسی بر مناطق مهم سکونت‌گاهی برای سرمایه صنعتی و بانکی.»

امروز هم تلاش می‌شود با عبارات و دروغ‌ها تسلیحات و سیاست جنگی را به ما بفروشند و دلپذیر کنند. اما کارل لیبکنشت از قبل می‌دانست: این سیاست فقط به نفع ثروتمندانی است که همچنان از جنگ‌ها سود می‌برند.

رزا و کارل با سیاست خود به هیچ وجه با اکثریت حزب خود، SPD، موافق نبودند. اما آنها علیه رفرمیسم و اپورتونیسم در جنبش کارگری و SPD مبارزه کردند. بیش از ۱۰۰ سال بعد، می‌بینیم که آنها چقدر در انتقادات خود درست می‌گفتند.

رزا و کارل با نثار جان خود به آرمان‌های کارگران و انقلاب وفادار ماندند و به ترویج این مشی انقلابی پرداختند. این امر امروز برای ما بسیار حائز اهمیت است که به راه و مبارزه آنها ادامه دهیم. زیرا وقتی امروز در خیابان هستیم - برای شرایط کار و زندگی بهتر، علیه فقر، علیه جنگ و تسلیح مجدد، می‌جنگیم و این همان روح انقلابی رزا و کارل، در مبارزات ما برای ادامه زندگی است.»\*



## به مناسبت صد و چهارمین سالگرد قتل روزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنشت

گزارشی از فعالین حزب در آلمان

امروز، یکشنبه ۱۵ ژانویه به مناسبت بزرگداشت صد و چهارمین سالگرد قتل دو تن از رهبران برجسته جنبش کمونیستی آلمان روزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنشت به دست عمال سوسیال دموکرات‌های خائن این کشور، مارش عظیمی با شرکت بیش از ۵۰۰۰ نفر از چپها و کمونیست‌ها با شکوه خاصی برگزار شد.

طی این مارش عظیم که از خیابان Frankfurter Alle تا مقبره این دو کمونیست ارزنده، واقع در آرامگاه سوسیالیست‌ها در منطقه Lichterfelde در شهر برلن برگزار شد، علاوه بر چپها و کمونیستهای آلمانی، از کشورهای ترکیه، اسپانیا، آمریکای لاتین، کشورهای عربی، ایران و... با شور و هیجان خاصی شرکت داشتند.

شرکت کنندگان تقریباً در تمام مسیر سرود جاودانه «انترناسیونال» را بر لب و شعارهایی بطور عمدۀ با مضمون ضد امپریالیسم، فاشیسم، استعمار نوین، استثمار، ستم و فقر و نیز مبارزه به خاطر صلح... حمل می‌کردند و در خاتمه بر مزار آن دو کمونیست بزرگ یاد و خاطرشان را گرامی داشتند. مطلب زیر ترجمه‌ای از فراخوان رفقای حزب برادر ما در آلمان است که به مناسبت این روز تاریخی منتشر شده است:

آن موضوع کار را به دلخواه تغییر صورت می‌دهد. ابزارهای مدرن تولید عبارتند از ماشین‌های غول پیکر، مکانیسم‌های مختلف، آلات و ادوات گوناگون و غیره.

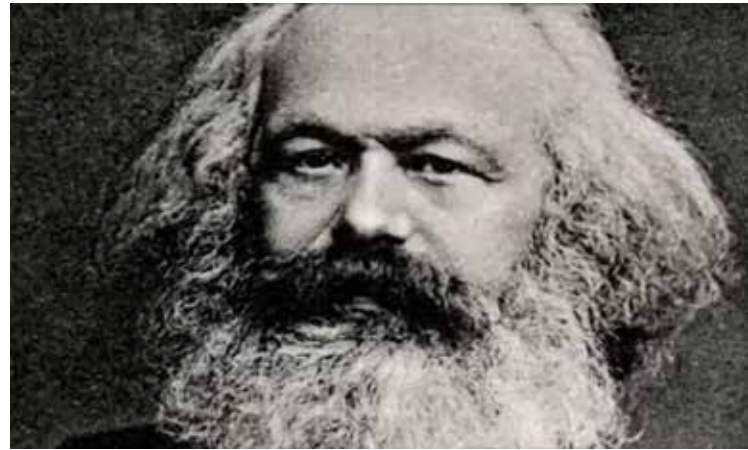
وسائل کار، دارای مفهومی وسیع‌تر از ابزار تولید است. وسائل کار، در کنار ابزار تولید، در صنایع: بنای کارخانه، سوخت، برق و غیره و در کشاورزی: کودهای مختلف، مواد شیمیایی، به خاطر مبارزه با آفات نباتی و حیوانی و غیره را در بر می‌گیرد. ابزار تولید به خودی خود اجسامی هستند بی‌جان که چنانچه به کار نیفتند فایده‌ای نمی‌رسانند و چه بسا تحت شرایط جوی به تدریج رو به انهدام می‌روند. برای بکار انداختن ابزار تولید، کار و نیروی زنده لازم است. از اینرو انسان که ابزار تولید را بکار می‌اندازد نیروی تولیدی اساسی و تعیین کننده است. «نخستین نیروی مولد تمام بشریت، کارگر است، زحمتکش است.» (لنین)

مجموعه وسائل تولید و قبل از همه ابزار تولید به اضافه انسان‌ها که با کسب مهارت و تجربه این وسائل را بکار می‌اندازند و مایحتاج زندگی را تولید می‌کنند نیروهای مولد نامیده می‌شوند. خصلت و محتوای نیروهای مولد از دورانی به دوران دیگر تغییر می‌پذیرد. اگر در دوران اشتراکی اولیه، ابزار تولید عبارت بودند از ابزارهای سنگی، چوب دستی، تیر و کمان و... وسائل تولید امروز شامل کارخانه‌های عظیم، معادن، وسائل حمل و نقل و غیره است.

در تولید نعم مادی، نیروهای مولد فقط یک طرف موضوع را تشکیل می‌دهند که در واقع مبین رابطه انسان با اشیاء و نیروهای طبیعت است. در جریان تولید، در مبارزه با طبیعت به خاطر تحصیل لوازم زندگی، فعالیت انسان انفرادی نیست، اجتماعی و اشتراکی است. در جریان این فعالیت، میان انسان‌ها روابطی برقرار می‌شود و فقط از طریق این روابط اجتماعی است که تولید صورت می‌گیرد. روابطی را که در جریان تولید میان انسان‌ها پدید می‌آید و دارای خصلت عینی است روابط تولید می‌نامند.

از همان بدوی‌ترین مراحل تاریخ بشر این روابط میان انسان‌ها برقرار می‌گردد. روابط انسان‌ها در جریان تولید، همان کوشش مشترک آنها با ابزارهای بسیار بدوی، به خاطر تهیه مایحتاج زندگی است و توزیع آنچه که در نتیجه کوشش مشترک به دست آمده است. پس از آنکه بر اثر رشد نیروهای مولد در جامعه تقسیم کار پدید آمد مثلاً کشاورزی از گله‌داری جدا شد و این هر دو از پیشه‌وری فاصله گرفتند و در درون پیشه‌وری شعب گوناگونی بوجود آمد، وابستگی انسان‌ها و گروه‌های انسانی نسبت به یکدیگر فزونی گرفت و هر اندازه تقسیم کار جلوتر رفت وابستگی روابط آنها شدید و شدیدتر شد.

در مرحله معینی از تکامل جامعه، وسائل تولید از خود تولید کننده جدا می‌شود و در اختیار معدودی از افراد جامعه قرار می‌گیرد، بدین ترتیب مالکیت خصوصی بر وسائل تولید بروز



## ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیکی» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریریه نشریه «توفان الکترونیکی» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

### نیروهای مولد، روابط تولید

انسان برای زیستن به خوراک، لباس، مسکن، سوخت و غیره نیازمند است و برای تحصیل این لوازم ضروری باید آنها را تولید کند. تولید، آن عاملی است که انسان را از حیوان متمایز می‌سازد. زندگی حیوانات در گرو محیط پیرامون آنها است، در گرو وسائلی است که طبیعت در اختیار آنها می‌گذارد. انسان، برعکس، به آنچه که طبیعت می‌دهد قناعت نمی‌ورزد و خود به تولد مایحتاج خویش می‌پردازد. تولید لوازم زندگی مستلزم ابزار تولید است که باید آنها را ساخت و به کار بردن آنها را دانست.

انسان پیش از آنکه به ساختن ابزار تولید، حتی بدوی‌ترین آنها توفیق یابد، هنوز در زمره حیوانات بشمار می‌آید و مانند آنها مقهور طبیعت بود. اما همین که به ابزارهایی ولو ساده برای شکار حیوانات و چیدن میوه‌ها دست یافت، از دنیای حیوانی به دنیای جامعه انسانی گام گذارد. از اینرو است که انسان را حیوان سازنده ابزار گفته‌اند و آنچه که از انسان، انسان می‌سازد همین ساختن ابزار تولید است. انسان به کمک ابزار تولید با طبیعت به مبارزه بر می‌خیزد، طبیعت را بنابر نیازمندی‌های خویش تغییر می‌دهد و اشیاء و محصولات پدید می‌آورد که در محیط پیرامون به صورت آماده وجود ندارند. ابزار کار، شیئی یا مجموعه‌ای از اشیاء است که انسان از طریق

می‌کند. از این مرحله به بعد اقلیتی از افراد جامعه وسائل تولید را در دست دارند در حالی که اکثریت افراد جامعه یعنی تولیدکنندگان مستقیم، فاقد وسائل تولیداند. وسائل تولید از تولیدکنندگان واقعی جدا می‌شود و برای آنکه تولید بتواند

جامه عمل پیوشد باید این جدائی را از میان برداشت و این دو را با یکدیگر متحد ساخت. در اینجا است که میان صاحبان وسائل تولید و تولیدکنندگان واقعی روابط خاصی برقرار می‌گردد که همان روابط طبقاتی است.

جامعه سرمایه‌داری را بگیریم. در این جامعه روابط تولید شبکه بغرنج و پیچیده‌ای است که میان انسان‌هایی که در کار تولید شرکت می‌جویند برقرار می‌گردد. این روابط در تمام زمینه‌های

تولید، توزیع و مصرف به چشم می‌خورد، مانند روابط میان شعب مختلف تولید، میان شهر و ده، روابطی که هنگام خرید و فروش یا رقابت برقرار می‌شود و غیره و غیره. در میان انبوه روابط تولیدی، آن روابطی که پایه و اساس تکامل جامعه است، آن روابطی که تعیین‌کننده تمام روابط دیگر است، خصلت تولید و سیمای جامعه بدان وابسته است همانا روابط انسان‌ها نسبت به وسائل تولید یا به عبارت دیگر شکل مالکیت بر وسائل تولید است.

«اگر نیروهای مولد به این سؤال جواب می‌دهد که انسان‌ها با چه افزاری به تولید نعم مادی ضروری خویش می‌پردازند، وضع روابط تولید به این سؤال دیگر جواب می‌دهد: وسائل تولید (زمین یا جنگل، آب، معدن، مواد خام، افزارهای تولید، عمارات تولید، وسائل مخابرات و ارتباطات و غیره) در مالکیت کیست، وسائل تولید در اختیار کیست، در اختیار تمام جامعه یا در اختیار افراد، گروه‌ها و طبقات جداگانه که از آنها برای استثمار سایر افراد، گروه‌ها و طبقات استفاده می‌کنند.» (استالین).

مالکیت بر وسائل تولید به دو شکل می‌تواند جلوه کند: مالکیت خصوصی، مالکیت اجتماعی، برحسب اینکه وسائل تولید در اختیار افراد یا گروه‌های کوچکی است (مالکیت خصوصی) و یا در اختیار تمام جامعه (مالکیت اجتماعی). به عبارت دیگر بر حسب شکل مالکیت دو نوع روابط تولید در جامعه صورت می‌بندد. در حالت اول روابط تولید، روابط تابع و متبوع، فرمانده و فرمانبر است که از آن استثمار انسان از انسان حاصل می‌آید، در حالت دوم روابط تولید، روابط همکاری و کمک متقابل است و در آن اثری از استثمار نیست.

مالکیت خصوصی بر وسائل تولید موجب می‌گردد که انسان‌هایی از داشتن این وسائل محروم بمانند و برای امرار معاش به تابعیت آن افراد یا طبقاتی در آیند که وسائل تولید در

اختیار آنها است. چنانکه سرمایه‌داری، سرمایه‌دار وسائل تولید را در دست خود متمرکز می‌سازد و کارگر که فاقد هرگونه وسائل تولید است ناگزیر باید نیروی کار خود را به سرمایه‌دار بفروشد و از جانب سرمایه‌دار استثمار شود. ظاهراً چنین می‌نماید که رابطه انسان‌ها نسبت به وسائل تولید یا به دیگر سخن مالکیت بر وسائل تولید، رابطه انسان‌ها با اشیاء است. ولی در واقع چنین نیست. رابطه نسبت به وسائل تولید رابطه اجتماعی میان انسان‌ها است. زیرا آن طبقه‌ای که مالک وسائل تولید است (سرمایه‌دار، مالک زمین) بر انسان‌هایی که فاقد این وسائل‌اند حکومت می‌کند، آنها را وامی‌دارد که از نظام اجتماعی معینی تبعیت نمایند، به استثمار تن دردهند. روابط تولید خصلت عینی دارد، تابع خواست و اراده انسان‌ها نیست. انسان‌ها در انتخاب نیروهای مولد اختیاری ندارند، روابط تولید نیز تابعی از نیروهای مولد است و بنابراین در ورای اختیار انسان‌ها است. مثلاً در دنیای سرمایه‌داری کنونی برای کارفرما مقدور نیست به سیستم روابط تولیدی فئودالی بازگردد همانطور که فئودال نمی‌توانست روابط تولید سرمایه‌داری برقرار کند. نیروهای مولد و روابط تولید مجموعه واحدی را می‌سازند، این مجموعه را شیوه تولید می‌نامند، شیوه تولید «مظهر وحدت» نیروهای مولد و روابط تولید است.

شیوه تولید در ساختن جامعه و در تکامل آن نقش تعیین‌کننده دارد. شیوه تولید حاکم در جامعه هرگونه که باشد سیمای جامعه نیز در انطباق با آنست. شیوه تولید است که وجود یا فقدان طبقات اجتماعی متخاصم، خصلت مناسبات متقابل طبقات، خصلت ایدئولوژی مسلط و تاسیسات سیاسی و حقوقی مسلط را تعیین می‌کند. چنانکه شیوه تولید سرمایه‌داری مستلزم نظام سرمایه‌داری است، جامعه سرمایه‌داری را به دو طبقه متخاصم کارگر و سرمایه‌دار تقسیم می‌کند. تمام روابط تولیدی جامعه سرمایه‌داری و همچنین افکار و نظریات سیاسی، حقوقی و هنری و غیره و تاسیسات سیاسی و حقوقی آن از شیوه تولید سرمایه‌داری ناشی می‌شوند.

با تغییر شیوه تولید طبیعتاً روابط تولید، افکار و نظریات و تاسیسات سیاسی و حقوقی جامعه نیز دگرگون می‌گردد، به عبارت دیگر بر اساس شیوه تولید است که باید افکار و تاسیسات جامعه معین را توضیح داد و نه بالعکس، بر اساس شیوه تولید است که می‌توان توضیح داد چرا به جای جامعه فئودالی جامعه سرمایه‌داری می‌نشیند و نه جامعه دیگر و چرا جامعه سرمایه‌داری ناگزیر به جامعه سوسیالیستی بدل می‌گردد.\*

ادامه سیاست است. باید سیاست قبل از جنگ را مطالعه کرد، سیاستی که به جنگ انجامیده یا می‌انجامد. اگر این سیاست، سیاست امپریالیستی است یعنی اگر از منافع سرمایه مالی دفاع می‌کند، مستعمرات و کشورهای دیگر را غارت می‌نماید، در این صورت جنگی که از این سیاست بر می‌خیزد، جنگ امپریالیستی است. اگر سیاست، سیاست ملی آزادیبخش است یعنی جنبش توده‌ای علیه یوغ ملی است، در این صورت جنگی که از این سیاست بر می‌خیزد، جنگ آزادیبخش ملی است" و یا حتی به رغم ماهیت امپریالیستی کشورها در برخی موارد خاص می‌تواند خصلت ضد فاشیستی و ضد نازیستی به خود گیرد. در جنگ جهانی دوم جنگ خصلت ضد فاشیستی بخود گرفت و لذا تاکتیک کمونیست‌ها دفع خطر فاشیسم و دفاع از دمکراسی به مفهوم عام آن بود. و یا جنگی که روسیه علیه ناتو در اوکراین مشغول است جنگی دفاعی بر علیه ناتو و نئونازی‌های آزوف است به رغم اینکه روسیه یک کشور سرمایه داری امپریالیستی است.

از نظر کمونیست‌ها جنگ پرولتاریا بر ضد سرمایه داری بخاطر نجات هستی اش و پایان دادن به بهره کشی خویش اقدامی بر حق است. وقتی استعمارگران برای غارت کشوری به آن تجاوز کرده و در آن کشور ساکن گشته و مانع می‌گردند که ساکنین آن کشور خود سرنوشت خویش را تعیین کنند در آن صورت مبارزه انقلابی آن مردم و جنگ آزادیبخش آن‌ها برای کسب استقلال ملی اقدامی مترقی و قابل ستایش است. پس از دیدگاه مارکسیست‌ها به مفهوم جنگ باید از دیدگاه منافع مبارزه طبقاتی نگریست. جنگ خلق‌های ویتنام، کامبوج و لائوس علیه تجاوز کاران آمریکائی، جنگ خلق‌های شوروی و سایر خلق‌های جهان علیه ددمنشی نازی‌ها، جنگ‌های مقدسی هستند که با هدف نابودی جنگ افروزان صورت می‌پذیرند. مارکسیست‌ها جنگ‌ها را به عادلانه و غیر عادلانه ارزیابی می‌کنند. پزیدنت بوش که فرمان نابودی مردم عراق را صادر کرده بود، با فریب کاری اقدام خود را جنگ عادلانه معرفی می‌کرد و با همان استدلالی عمل می‌نمود که در مواقع عادی بر ضد آن به یورش ایدئولوژیک مبادرت می‌ورزید. جنگ همان‌گونه که روشن است ادامه سیاست با وسایل دیگر است و سیاست نیز طبقاتی و در خدمت منافع گروه، طبقه و محافل معینی صورت می‌گیرد. اگر سیاست بد و خوب دارد، اگر سیاست بی پدر و مادر بورژوائی و سیاست روشن و اصولی کمونیستی وجود دارد، آنوقت جنگ نیز از دو زاویه باید مورد بررسی قرار گیرد. بقول لنین: "جنگ داخلی نیز جنگ است هر آن کس که مبارزه طبقاتی را قبول دارد نمی‌تواند جنگ داخلی



## گشت و گذاری در فیسبوک

پاسخ به یک پرسش

**پرسش:** رفقای گرامی و زحمتکش توفان، ضمن سلام و خسته نباشید پرسشی دارم در مورد "سوسیالیسم واقعا موجود" گذشته در باره سیاست صلح‌خواهی این کشور. حزب شما معتقد است شوروی با روی کار آمدن خروشچف پس از درگذشت استالین دیگر از صلح دفاع نکرد بجای مبارزه با صلح با آمریکا به زد و بند پرداخت. مخالفت اصولی شما با سیاست صلح شوروی چه می‌باشد؟ آیا فکرنمی‌کنید سیاست حزب شما در این رابطه چپ روانه بود؟ با احترام. امضا. طاهر الف - تهران

**پاسخ:** رفیق گرامی، از پرسش بسیار مهمی که طرح کرده اید سپاسگزاریم. تلاش می‌کنیم در صفحه محدودی که در اختیار داریم به این پرسش مهم که جنبش کمونیستی را به انشعاب کشانده است پاسخی درخور توجه دهیم. ابتدا ناچاریم مختصرا به مفاهیم صلح و جنگ بپردازیم.

رفیق عزیز، جنگ و صلح مفاهیم اجتماعی هستند و از این زاویه باید به آنها برخورد کرد. کمونیست‌ها که به طبقات و مبارزه طبقاتی معتقدند و تکامل تاریخ را ناشی از این مبارزه می‌دانند برای ارزیابی و قضاوت درست اسلوب ماتریالیسم دیالکتیک را در دست دارند. آنها نمی‌گویند که جنگ، جنگ است و ما هر نوع جنگی را همان‌گونه که شعار پاسیفیست‌هاست، محکوم می‌کنیم. مارکسیست - لنینیست‌ها به جنگ به منزله امری انتزاعی نمی‌نگرند. آنها در پی آن هستند که خصلت جنگ را بشناسند. بدانند که چرا این جنگ به وجود آمده و چه اهدافی را در مد نظر داشته و توسط چه طبقه اجتماعی رهبری می‌گردد. لنین می‌گفت: "چگونه می‌توان "ماهیت واقعی" جنگ را دریافت، چگونه این ماهیت را تعیین کرد؟ جنگ

را قبول نداشته باشد. این جنگ ها در جامعه طبقاتی ادامه طبیعی و در شرایط معین ادامه ناگزیر تکامل و شدت مبارزه طبقاتی است. تمام انقلابات بزرگ مویده این امر است. انکار جنگ های داخلی و یا بدست فراموشی سپردن آنها به معنی افتادن در اپورتونیسیم مفرط و روگرداندن از انقلاب سوسیالیستی است. آن کس که جنگ را بطور کلی محکوم می کند چه آگاهانه و چه از روی جهالت به طور عینی همدست استعمار و استثمار و یار و یاور امپریالیسم است. وی فقط آب به آسیاب امپریالیسم که نیروی تجاوز و جنگ است، فرو می ریزد و مردم عادی را در قبال تجاوز آن روحاً خلع سلاح می نماید. رویونیسیت ها از این قماشند که جنگ را از ماهیت آن جدا کرده و امری برای خود در نظر گرفته و در هر شرایطی محکوم و طرد می کنند. کائوتسکی در سال ۱۹۱۴ قبل از آغاز جنگ اول جهانی می گفت: "در شرایط کنونی جنگی نیست که به طور کلی برای ملل مختلف و به ویژه برای پرولتاریا بدبختی به بار نیاورد. آن چه که ما از آن بحث می کنیم این است که ما به چه وسیله ای می توانیم از جنگ مخوف جلوگیری کنیم نه این که کدام جنگ ها ممکن است مفید واقع شوند و کدام مضر" (حزب سوسیال-دموکرات در دوران جنگ). دو جنگ جهانی که هر دو را بورژواها شروع کردند و تجاوز به شوروی و قتل عام میلیون ها انسان لازم بود تا ثابت شود مهملات کائوتسکی چقدر بی ربط است و تئوری هایش تا به چه حد به امپریالیست ها خدمت کرده است. فرق مارکسیست - لنینیست ها با رویونیسیت ها در درک رابطه عمیق میان جنگ و مبارزه طبقاتی است. هر کس که این واقعیت را که فقط با نابودی طبقات و استقرار سوسیالیسم در عرصه جهان، جنگ بطور کلی از صحنه تاریخ زدوده خواهد شد، درک نکند بوئی از مبارزه طبقاتی نبرده است. اکنون که سرمایه داری بر جهان تسلط بی پروا برگرد دارد ما شاهد آنیم که از جنگی به جنگ دیگر می رود. پیروزی سرمایه داری و بقاء آن با ادامه جنگ همراه است. اگر لنین جنگ را زائیده امپریالیسم می دانست، رویونیسیت ها جنگ را از ماهیت طبقاتی آن جدا کرده و چنین جلوه می دادند که گویا در آمریکا نیز آدم های خوبی وجود دارند که مخالف جنگند. تو گوئی سیاست امپریالیسم با آدم های خوب و بد تعیین می شود. تو گوئی نیاز سرمایه به راه انداختن جنگ یک امر کاملاً ذهنی و نه عینی است که از ماهیت تکامل و گسترش سرمایه بر نمی خیزد. رویونیسیت ها با هر جنگی به مخالفت بر می خیزند و پاسیفیسیم را با تکیه به روحیه ضد جنگ توده ها تبلیغ می کنند. این افکاری بود که خروشچف بدان دامن زد.

خروشچف اصل صحیح لنینی همزیستی مسالمت آمیز بین کشورهای دارای نظام های اجتماعی گوناگون را تحریف کرده

و آنرا به سیاست تسلیم طبقاتی و آرایش امپریالیسم مبدل نموده و با امپریالیسم "صلح طلب" بر سر تقسیم جهان به تباری نشست. خروشچف همزیستی مسالمت آمیز را به مثابه خط مشی اصلی سیاست خارجی "و خط مشی استراتژی تمام دوران گذار سرمایه داری به سوسیالیسم در مقیاس جهانی" اعلان نمود (پراودا دسامبر ۱۹۶۳). خروشچف اصل همزیستی مسالمت آمیز میان نظام های گوناگون اجتماعی را تا موقعی که سوسیالیسم در محاصره سرمایه داری قرار دارد به اصل مبارزه طبقاتی بسط داد و همزیستی و آشتی طبقاتی را جایگزین مبارزه طبقاتی کرد.

هفته نامه آمریکائی نیشن این سیاست خروشچف را که به انشعاب جنبش کمونیستی جهان منجر گردید صادقانه در خدمت غرب ارزیابی کرده و نوشت: "دیگر روشن شده است که آرزوی خروشچف برای تخفیف تنشج در بهبود مناسبات با غرب بسیار صادقانه است و او حتا آماده است برای نیل به این هدف جنبش کمونیستی را به خطر نفاق بیاندازد" (۹ فوریه ۱۹۶۳). خروشچف برای آقائی بر جهان و تبدیل روسیه سوسیالیستی به یک ابر قدرت امپریالیستی می گوید: "ما امیدواریم در زمینه مبارزه بخاطر صلح و امنیت خلق های کشورهای مختلف و در رشته های اقتصادی و فرهنگی با آمریکا دوستانه همکاری کنیم" و "همکاری اتحاد شوروی و آمریکا در حل مسائل جهانی" اساس سیاست شوروی اعلان می گردد. حل مسائل جهان چیزی جز سرکوب و یا وابسته کردن جنبش های آزادی خواهانه خلق ها و انحراف مبارزات پرولتاریا جهان نبود. مبارزه طبقاتی و انترناسیونالیسم پرولتری و ایده های سوسیالیسم برای توافق با هارترین کشور امپریالیستی جهان بیشرمانه فدا می شود و برای نیل به این مقصود تئوری های جدیدی خلق می شود. تئوری مرحله سوم سرمایه داری که بر طبق این تئوری گویا امپریالیسم دیگر جنگ طلب نیست و اعلان می گردد: "من در هنگام مذاکره با رئیس جمهور آمریکا حس کردم که او نیز مانند ما، در اندیشه تامین صلح است" (از مصاحبه مطبوعاتی خروشچف ۲۷ سپتامبر ۱۹۵۹). و طی سخنرانی دیگری در میان زحمتکشان شوروی می گوید: "من از این تریبون عالی در برابر خلق خویش، در برابر حزب و دولت باید بگویم که رئیس جمهور، آیزنهاور در ارزیابی اوضاع و احوال معاصر بین المللی، خردمندی دولتمندانه نشان داد. مردانگی و اراده نشان داد. اوبعنوان مردی که از اعتماد کامل خلق خود برخوردار است، علیرغم شرایط بغرنج آمریکا پیشنهاد کرد که بین سران دو کشور ما دید و باز دید به عمل آید. ما قدر این ابتکار مهم را که در جهت تحکیم امر صلح است می دانیم" (مسکو ۵۹/۹/۲۸).

ادامه در شماره بعد \*

یک نظام دمکراتیک و عادلانه اجتماعی. بیان این که فقط این رژیم تبهکار برود تا دلم خنک شود اشتباه محض و جز ارضای آتش خشم شخصی نتیجه دیگری نخواهد داشت، بی سرانجام است. رژیم‌های لیبی، و طالبان و بعث عراق توسط آمریکا و متحدینش سرنگون شدند اما نه آزادی در این کشورها برقرار شد و نه استقلال، بلکه برعکس وضع مردم هزاربار وخیم‌تر، تاریک‌تر و مصیبت‌بارتر از گذشته شده است. دخالت بیگانگان در امور داخلی کشور ما ایران به معنای نقض حق تعیین سرنوشت مردم ایران به دست خودشان است و این امر نمی‌تواند مورد پذیرش هیچ ملت آگاه و مستقلی باشد. عزیزان ما که توسط رژیم اسلامی تیرباران شدند برای تحقق آرمان انسانی و حقوق دمکراتیک ملت ایران، به ویژه کارگران و زحمتکشان جان‌باختند نه برای زندگی شخصی خودشان و یا اختلاف شخصی با ملاحا. از این رو باید از برخوردهای هیجانی و احساسی و شخصی پرهیز نمود و مبارزه سیاسی و طبقاتی سنجیده و هدفمند و آگاهانه‌ای را برای تحقق آرمان‌های عزیزان جانباخته مان یعنی استقرار آزادی، دمکراسی و عدالت اجتماعی پیش بریم. راهی جز این راه برای تحقق آرزوها و آمال مردم ایران میسر نیست. هر راه دیگری بیراهه است. روز جشن ملت ایران روزی است که آگاهانه و متشکل رژیم را با دستان پرتوان خود و با کم‌ترین خسارت مالی و جانی سرنگون کند، چنین روزی آرزوی همهی ایرانیان آزاده، مستقل و ضد امپریالیست و ضد اجنبی است.

در مورد سپاه پاسداران و برآمد پارلمان اروپا و تروریستی خواندن این ارگان رسمی، ادامه همان سیاست سنتی ضد ایرانی امپریالیسم غرب به سرکردگی آمریکا از بدو انقلاب ایران است. این اقدام تأیید ادامه سیاست‌های دادگاه‌های ساختگی ایادی رژیم جمهوری اسلامی در خارج از کشور برای نقض حاکمیت ملی ایران و ساختن ابزارهای فشار تروریستی به ایران، تحریم‌های ضد بشری، جنایتکارانه و غیرقانونی علیه مردم ایران، تأیید ترور فرمانده نظامی ایران قاسم سلیمانی در خاک عراق در یک سفر رسمی دیپلماتیک، تأیید ترور دانشمندان هسته‌ای ایران و تأیید تنش و دامن‌زدن به جنگ و خونریزی و تهدید امنیت و صلح جهانی است و چنین سیاستی تروریسم بین‌الملل و نقض آشکار همه حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد است و نمی‌توان آن را محکوم نکرد. این سیاست تحریک‌آمیز و تروریستی که توسط اپوزیسیون سلطنت‌طلب و سازمان مجاهدین رجوی و تجزیه‌طلبان و چپ‌نماهای آشفته فکر و امثال آنها ردیف شده است اقدامی ماجراجویانه، خشونت‌آفرین، جنگ‌طلبانه و ضد ایرانی بوده و مورد توافق حزب ما نیست.

یک اپوزیسیون جدی و مردمی قبل از اینکه بفکر سرنگونی رژیم به هر قیمتی باشد ابتدا باید در پی ساختن بدیلی باشد با ماهیت مترقی و انقلابی که شرایط زندگی مردم را پس از سرنگونی بهتر کند و نه بدتر. سرنگونی وسیله است و نه هدف. هدف ما از مبارزات مردم ایران برای سرنگونی تحقق حقوق دمکراتیک مردم در تمام زمینه‌ها و در این برهه از زمان خواهان ایرانی هستیم که در آن جایی برای فساد، دزدی، خویشاوندسالاری، ارتجاع مذهبی، دین‌سالاری، فقدان تساوی اجتماعی حقوق زن و مرد، نقض حقوق کارگران و زحمتکشان، آموزگاران و... نباشد. آزادی و عدالت اجتماعی و حفظ استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران مهم‌ترین دغدغه حزب ما برای برانداختن حکومت ارتجاعی کنونی است. از این منظر ما شدیداً مخالف هر گونه تحریم اقتصادی و مداخله نظامی در ایران هستیم و بشدت علیه نیروهایی که از تجاوزات نظامی به عراق و لیبی و افغانستان و سوریه... الهام و الگو برداری می‌کنند، مبارزه می‌کنیم. پیروز باشید.\*



## پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

**پرسش:** دوستان محترم توفان من در تعجبم که با قطعنامه پارلمان اتحادیه اروپا و درلیست تروریستی قراردادن سپاه پاسداران اسلامی مخالفت کرده اید از چه می‌هراسید؟ مبنای مخالفت شما چیست. به نظر من گیریم رژیم سرنگون شود. هر رژیمی در ایران روی کار بیاید بهتر از این رژیم کثیف اسلامیست. این رژیم نزدیک‌ترین و عزیزترین بستگان ما را کشت و سرنگونی رژیم توسط هر کسی صورت گیرد روز جشن ماست. آیا بهتر نیست در موضع خود تجدید نظر کنید و از لیبی شدن احتمالی ایران دست بردارید؟

**پاسخ:** دوست گرامی، سپاس از پرسشتان! قبل از هر چیز باید عرض کنیم مبارزه سیاسی، مبارزهای برای تصفیه حساب شخصی و دل‌خنک کردن نیست، بلکه مبارزهای آگاهانه برای تصفیه حساب طبقاتی است. مبارزهای که بر کین و انتقام‌گیری شخصی استوار باشد فرجامی جز یأس و سرخوردگی در برنخواهد داشت، بیراهه است. مثلاً نمی‌توان به خاطر نفرت از رژیم ارتجاعی صدام حسین از تجاوز نظامی به عراق دفاع نمود و جام شراب را به سلامتی اعدام صدام حسین توسط آمریکا سرکشید و دخالت اجانب در امور داخلی کشور را تأیید نمود. آنها که چنین کرده‌اند از مسیر مبارزه اصولی خارج شده، به آلت دست زورمندان جدید تبدیل شده‌اند. به لیبی بنگرید که به چه روری گرفتار شده است. اکنون در پایتخت این کشور سه دولت با منافع گوناگون علیه هم می‌جنگند و تروریسم و ناامنی فضای جامعه را دود اندود کرده است و مردم راهی جز فرار از کشور نمی‌یابند. عین همین مسئله در مورد کشور ما ایران هم صدق می‌کند. در صورتی چنین حمله‌ای از بیرون و سرنگونی رژیم جز آشفتنگی و ویرانی و ناامنی و خروج میلیون‌ها نفر از کشور حاصلی نخواهد داشت.

کسانی که به خاطر نفرت به حششان نسبت به رژیم منفور اسلامی در مقابل تحریم جنایتکارانه اقتصادی و تجاوز نظامی به ایران حساسیت نشان نمی‌دهند و حتی مشوق دستگیری سران رژیم ایران توسط آمریکا و اعدام آنها هستند، درک درستی از مبارزه سیاسی ندارند. اینان فقط برای خنک شدن دلشان با رژیم مخالفت می‌کنند و نه برای استقرار



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/hezbekar.toufan					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آناه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
<u>POSTBANK</u>						
bank code 20110022						
bank account No.: 2573 3026 00						
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00						
<u>P.O. BOX 1138</u>						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						